

## فرا تحلیل مطالعات حوزه مناطق کلان‌شهری در ایران\*

مجتبی رفیعیان<sup>\*\*\*</sup> - گلاره شاه حسینی<sup>۲</sup> - هاشم داداش پور<sup>۳</sup>

۱. استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

### چکیده

امروزه مناطق کلان‌شهری به مثابه گرانیگاه‌های قدرتمند اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و به عنوان الگوی غالب شهرنشینی به خصوص در کشورهای در حال توسعه، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصاد منطقه ای، ملی و حتی جهانی دارند. بنابراین بازشناسایی این مفهوم و غنی‌سازی مطالعات این حوزه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. لذا این پژوهش در پی آن است تا به فراتحلیلی بر مقالات علمی- پژوهشی با محوریت موضوعی مناطق کلان‌شهری در یک و نیم دهه اخیر در ایران بپردازد. با توجه به یافته‌ها، مطالعات این حوزه از سال ۱۳۹۴ با نوعی روند کاهشی همراه شده و ماهیت مطالعات به لحاظ توزیع حوزه‌های پژوهشی نیز نشان از اولویت‌گونه‌های مطالعاتی کالبدی- فضایی (۴۹ درصد)، مدیریتی (۱۹ درصد) و اقتصادی (۱۶ درصد) دارد. تحلیل یافته‌های مرتبط با ماهیت مطالعات، از یک سو بیانگر هم‌خوانی مطالعات این حوزه با روند غالب جهانی و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تغییرات مطالعات این حوزه به واسطه تغییر در چپستی این مناطق و همچنین دگرگونی در پارادایم غالب مطالعاتی (از مفاهیم کلان به بسیار کلان) است. بررسی بُعد محتوایی مطالعات نشان می‌دهد که مطالعات مبتنی بر زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و توسعه پایدار به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته و محورهای کلیدی ساختار فضایی و توسعه منطقه‌ای نیز با شکاف‌های محتوایی همراهند. چرایی‌ها، اغلب به صورت سطحی بررسی شده و بررسی چگونگی‌ها صرفاً به ارائه راهکارهایی در انتهای مقالات و یا استفاده از مدل‌هایی برای پیش‌بینی محدود شده است. بررسی بعد نظری مطالعات، مبین چرخش رویکردهای نظری به ویژه در گونه‌های مطالعاتی کالبدی- فضایی و اقتصادی بوده و نشان از ضعف بنیان‌های نظری خصوصاً در گونه‌های مطالعاتی زیست‌محیطی و اجتماعی- جمعیتی دارد. به لحاظ بعد روش‌شناسی، عمده پژوهش‌های این حوزه کمی بوده و روش‌های کیفی و ترکیبی کم‌تر در جریان مطالعات لحاظ گردیده است. نتایج نشان می‌دهد ماهیت اغلب مناطق کلان‌شهری در ایران مبتنی بر وجود نابرابری‌ها و عدم تعادل فضایی است. همچنین تلاش شده تا بر پایه فراتحلیل مطالعات، راهکارهایی هم‌چون لزوم نگرش آمیشی، عدم جدایی‌گزینی فضایی در برنامه‌ریزی‌ها و بهره‌گیری از رویکرد نومنطقه‌گرایی جهت ارتقای کارآمدی نظام مدیریتی این مناطق و همچنین لزوم گذار از رویکرد سلسله‌مراتبی و حرکت به سمت توسعه شهرهای کوچک و زیرمراکز فعالیتی به منظور برقراری تعادل فضایی و تقویت چندمرکزگرایی برای ایجاد چارچوب سیاست‌گذاری در این مناطق ارائه گردد.

**واژگان کلیدی:** مناطق کلان‌شهری ایران، فراتحلیل، شکاف‌های مطالعاتی، تعادل فضایی، چندمرکزگرایی.

\* این مقاله مستخرج از مطالعات رساله دکتری نویسنده دوم با عنوان «تبیین و واکاوی ساختارها و سازوکارهای محرک فرآیندهای غیررسمی موجد پراکنده‌رویی (مورد پژوهی: منطقه کلان‌شهری تهران)» به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد و با حمایت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده است.

\*\*\* E-mail: rafiei\_m@modares. ac. ir

## ۱. مقدمه

عصر پسا مدرن، با شکل‌گیری نوعی سکونت‌گاه‌های جدید تحت عنوان مناطق کلان‌شهری همراه بوده و این مناطق، به عنوان یک پدیده جهانی، طی دهه‌های اخیر رشد نموده (زبردست و حاجی پور، ۱۳۸۸؛ تلخایی، ۱۳۹۷؛ داداش پور و سالاریان، ۱۳۹۷) و به الگوی غالب شهرنشینی، در اغلب کشورهای دنیا بدل شده‌اند (Li et al., 2019). این پدیده، نخست در اثر تمرکز سرمایه، فعالیت و جمعیت در مهم‌ترین شهرهای جهان شکل گرفت و این مناطق، هم‌چنان با تمرکززدایی بیش‌تر جمعیت و فعالیت در منطقه‌ای وسیع‌تر تحت مجموعه‌ای از فرایندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی در حال شکل‌گیری (داداش پور و علی دادی، ۱۳۹۷) و گذار از مناطق کلان‌شهری به مناطق کلان‌شهری چند مرکزی هستند. به علاوه، بازساخت فضایی نظام سرمایه داری (زبردست و شهابی شه‌میری، ۱۳۹۳؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۴) باعث شده تا این مناطق به عنوان موتورهای رشد اقتصاد جهانی و به مثابه مراکز فرماندهی اقتصاد ملی (مهم‌ترین مراکز توسعه ملی) در اغلب کشورها شناخته شوند (داداش پور و تدین، ۱۳۹۴؛ داداش پور، ۱۳۹۰؛ منصوریان، ۱۳۹۵؛ پیری و صارمی، ۱۳۹۷؛ صیامی و وکیلی، ۱۳۹۵؛ داداش پور و تدین، ۱۳۹۴؛ زبردست و شهابی شه‌میری، ۱۳۹۳؛ حصاری و همکاران، ۱۳۹۵؛ داداش پور و سالاریان، ۱۳۹۷). در واقع، این مناطق به واسطه جذب حجم بزرگی از نیروهای انسانی (جمعیت) و نیروهای مادی (سرمایه) کشورها به خود، از جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های شهری و منطقه‌ای برخوردارند. اهمیت مفهوم این مناطق، به عنوان کانونی برای سکونت در نیمه دوم قرن بیستم در تمامی کشورها باعث افزایش اهمیت آن‌ها به عنوان یک عامل کلیدی در صاحب‌نظران و پژوهشگران گردیده است. محققین کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و هم‌زمان با پژوهش‌های جهانی مرتبط با موضوع، ابعاد مختلف این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به نقش‌آفرینی مناطق کلان‌شهری در ایران در قالب مراکزی قدرتمند برای جذب جمعیت در کشور، پژوهش‌های مختلفی در خصوص این مناطق انجام شده است. با توجه به نقش پررنگ این مناطق در رشد و توسعه اقتصادی در مقیاس منطقه‌ای تا ملی و حتی جهانی، غنی‌سازی پژوهش‌های این حوزه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مناطق کلان‌شهری در ایران، ضمن بررسی ویژگی‌های عمومی این مقالات، ماهیت آن‌ها را به لحاظ ابعاد مختلف (محتوایی، نظری و روش‌شناسانه) واکاوی نموده و با بررسی دقیق و موشکافانه تحقیقات انجام‌شده به این سوالات پاسخ دهد که روند انتشار مقالات علمی- پژوهشی در قلمروی مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران و سایر ویژگی‌های عمومی مطالعات این حوزه به چه صورت است؟

ماهیت مطالعات به لحاظ توزیع حوزه‌های پژوهشی، از چه گونه‌شناسی تبعیت می‌کنند و اولویت‌بندی گونه‌های مطالعاتی، تا چه حد با روند غالب جهانی حاکم بر مطالعات این حوزه همخوانی دارد؟ مطالعات به لحاظ ابعاد محتوایی هم‌چون محورهای کلیدی، سؤالات پژوهش و اهداف مطالعاتی چگونه بوده و کدام یک از زمینه‌ها نیازمند انجام مطالعات با عمق بیش‌تری است؟

مطالعات این حوزه، مبتنی بر چه نوع روش‌شناسی (نوع پژوهش، رویکرد پژوهش و هم‌چنین روش گردآوری داده‌ها) بوده و چه خلأهای روش‌شناسی در این مطالعات دیده می‌شود؟

این گونه‌های مختلف مطالعاتی، عمدتاً بر پایه چه رویکردهای نظری شکل گرفته‌اند و در کدام یک از این گونه‌ها، ضعف بنیان‌های نظری به چشم می‌خورد؟ نهایتاً نتایج و راهکارهای پیشنهادی ارائه شده در هر یک از این گونه‌های مطالعاتی، معطوف به چه مواردی است؟ لذا این پژوهش به دنبال آن است تا از یک سو، با شناسایی شکاف‌های محتوایی، روش‌شناختی و نظری مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران، بسترهای لازم جهت مرتفع نمودن این کاستی‌ها در پژوهش‌های آتی را محقق نماید. از سوی دیگر، تلاش شده تا با توجه به فقدان رویکرد منسجم جهت بررسی و برداشت یکپارچه مطالعات این حوزه، ضمن رفع خلأ مرتبط با نبود انسجام در بین نتایج و راهکارهای ارائه شده در گونه‌های مختلف مطالعاتی این حوزه، امکان مقایسه این گونه‌های مطالعاتی به لحاظ رویکردهای نظری نیز فراهم شود. نهایتاً سعی بر آن بوده تا علاوه بر رفع شکاف مطالعاتی مرتبط با گونه‌شناسی مطالعات مناطق کلان‌شهری، زمینه‌های لازم برای ایجاد چارچوب سیاست‌گذاری این مناطق از منظر ابعاد مختلف نیز ارائه گردد.

## ۲. مبانی نظری

مطالعات مرتبط با مناطق کلان‌شهری، از اوایل قرن بیستم آغاز و تغییرات و نقاط عطف متعددی را به همراه داشته است. یکی از برهه‌های کلیدی اثرگذار بر مطالعات این حوزه، شروع تمرکززدایی جمعیت در دوره پس از جنگ جهانی در قالب موج حرکتی به بیرون از شهر مرکزی است که سرفصلی برای نیاز به نوع جدیدی از مدیریت و برنامه‌ریزی برای این مناطق بود. از دیگر نقاط عطف اثرگذار بر مطالعات این حوزه، می‌توان به جریانی اشاره کرد که از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز و با روند فزاینده کاهش تمرکز در کشورهای صنعتی و حرکت از مراکز مناطق کلان‌شهری به پیرامون همراه بود و در ادامه به واسطه سیاست‌های توسعه فضایی هزاره جدید، زمینه تمرکززدایی هرچه بیش‌تر از این مناطق و شکل‌گیری الگوهای فضایی چندمرکزی را فراهم آورد (زبردست و حاجی پور، ۱۳۸۸؛ لطفی و شهابی شه‌میری، ۱۳۹۵؛ داداش

و غیره، نقش بسیار زیادی در پیدایش حوزه‌های تحت عنوان جغرافیای اقتصاد تکاملی در مطالعات شهری و منطقه‌ای ایفا نمایند (داداش پور و زاهدپور، ۱۳۹۷)؛ برخی از مطالعات (Cardoso & Meijers, 2020; Bromley & Daniels, 2001) مبتنی بر بررسی چالش‌های فرا روی برنامه‌ریزی فضایی است، برخی دیگر (Biswas, 2020; Zimmermann, 2014; Miller & Lee, 2011) چالش‌های مرتبط با مدیریت/ حکم‌روایی این مناطق را بررسی می‌نمایند و دسته‌ای دیگر نیز بر نیروهای اقتصادی پدیدآورنده مناطق کلان‌شهری متمرکز هستند. برای مثال، لی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) سیاست‌های یکپارچه‌سازی منطقه‌ای و رقابت اقتصادی را در شهر- منطقه‌ای متشکل از سه شهرستان چاوزو، جیه یانگ و شانتو مورد بررسی قرار داده‌اند. ریزو و کان<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) به بررسی اثرات ملی و فراملی مناطق کلان‌شهری در کشورهای در حال توسعه، با توجه به اقتصاد رو به رشد این کشورها پرداخته و اثرات منفی این رشد بر توسعه پایدار را مورد ارزیابی قرار داده‌اند تا بنیک و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، الگوی توزیع فضایی مناطق تجاری مرکزی را در مناطق کلان‌شهری سه محدوده استانبول، پاریس و لندن مورد مقایسه تطبیقی قرار داده و لن گیئل<sup>۵</sup> (۲۰۱۶)، رقابت‌پذیری را به عنوان یکی از موضوعات بحث‌برانگیز فرا روی مطالعات مناطق کلان‌شهری در کشورهای اروپای شرقی مطرح نموده است.

برخی دیگر از مطالعات پنگ<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۶)، هان<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، به بررسی ابعاد زیست‌محیطی در پژوهش‌های حوزه مناطق کلان‌شهری پرداخته‌اند؛ بوتکوئیل‌ها<sup>۸</sup> (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی عنوان می‌نمایند که اصول زیست‌محیطی در تدوین چشم‌انداز سیستم‌های شهری چندمرکزی می‌بایست مبتنی بر لحاظ نمودن عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی علوم آینده باشد. در این پژوهش، رد‌پایی از بررسی آینده و توجه به عدم قطعیت‌ها در مطالعات مناطق کلان‌شهری به چشم می‌خورد؛ این در حالی است که اغلب پژوهش‌های این حوزه، توجه به آینده را صرفاً با نگاه مبتنی بر پیش‌بینی (نگاه سنتی) مدنظر قرار دارند و به شبیه‌سازی رشد و گسترش فضایی مناطق کلان‌شهری با استفاده از به‌کارگیری مدل‌های مختلف اکتفا نموده‌اند. برای مثال می‌توان به شبیه‌سازی رشد و گسترش فضایی منطقه کلان‌شهری تیانجین در چین با استفاده از مدل اتوماتای سلولی در پژوهش تیان<sup>۹</sup> و همکاران (۲۰۱۶) و یا استفاده از این مدل توسط احمد و برملی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۵) به منظور شبیه‌سازی آینده ساختار فضایی داکا اشاره نمود.

اگرچه پیچیدگی‌های عملکردی، ساختاری و ذاتی شهرهای امروزی و عدم قطعیت‌های منتج از این پیچیدگی‌ها، بررسی آینده آن‌ها را با دشواری‌های متعددی همراه نموده است؛ اما پیچیدگی تحلیل این

پور و علی دادی، ۱۳۹۷). این تغییر ساختاری بر لزوم نیاز به بهره‌گیری از نوع جدیدی از مطالعات و پوشش ابعاد مرتبط با آن تأکید نمود. لازم به ذکر است نتایج مطالعات مرتبط با مناطق کلان‌شهری در قرن بیست و یکم نیز، بر حرکت این مناطق به سمت تمرکز غیرمتمرکز (زبردست و شهابی شه‌میری، ۱۳۹۳) صحنه می‌گذارد.

بررسی روندهای غالب جهانی حاکم بر مطالعات حوزه مناطق کلان‌شهری در قرن بیست و یکم بر پایه پژوهش انجام‌شده توسط یه<sup>۱</sup> و چن (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد که این مطالعات، عمدتاً مبتنی بر سه رویکرد هستند؛ دسته نخست، به بررسی چالش‌های فراروی برنامه‌ریزی فضایی پرداخته، دسته دوم، بر چالش‌های مدیریت/ حکم‌روایی این مناطق متمرکز بوده و دسته سوم، نیروهای اقتصادی پدیدآورنده این مناطق را مورد توجه قرار می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تأثیرات زیست‌محیطی مناطق کلان‌شهری نیز از جمله دیگر مطالعات غالب این حوزه است؛ زیرا پیدایش کلان‌شهرها و مناطق کلان‌شهری در قرن بیست و یکم، همواره با تأثیرات این کانون‌های فعالیت اقتصادی بر محیط زیست پیرامونی آن‌ها همراه بوده است (Folberth et al., 2015). در واقع، این مناطق به دلیل سیستم‌های پیچیده، تراکم زیاد جمعیت و فعالیت‌های گسترده انسانی، اکوسیستم بسیار شکننده و ناپایداری دارند (Tian et al., 2019) و به تبع آن با مشکلات زیست محیطی متعددی روبه‌رو هستند.

پیشینه مطالعات مرتبط با ساختار فضایی، به طور کلی به ۱۹۸۰ باز می‌گردد و در طی چهار دهه اخیر بخش زیادی از مطالعات این حوزه را به خود اختصاص داده است (Gar-cia Lopez et al., 2015). بر پایه این مطالعات، می‌توان دریافت که این ساختار فضایی در مناطق کلان‌شهری امروز، تنها وابسته به شهر مرکزی نبوده؛ بلکه زیرمراکز فعالیتی، شبکه‌های ارتباطی و دسترسی به حمل و نقل نیز، نقش مهمی در نظام توزیع جمعیت و فعالیت دارند (Garcia Lopez & Muniz, 2010). اما از آن‌جا که ساختار فضایی مناطق کلان‌شهری (توزیع فضایی جمعیت و فعالیت و هم‌چنین سیستم حمل و نقلی) (شبکه ارتباطی) به عنوان ارتباط‌دهنده هسته‌های جمعیتی و فعالیتی، بازتاب دهنده عملکرد فضایی این مناطق و یا انطباق سازمان فضایی بر محیط کالبدی است (پیری و صارمی، ۱۳۹۷)؛ پژوهش حاضر، مطالعات مرتبط با ساختار فضایی مناطق کلان‌شهری در ایران را عمدتاً در ذیل مطالعات کالبدی- فضایی مورد ارزیابی قرار داده است.

مطالعات اقتصادی به عنوان سومین دسته از روند غالب جهانی مطالعات این حوزه به ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در این دوران، افرادی مانند ایزارد، آلسو و غیره با نگاه اقتصادی به برنامه‌ریزی منطقه‌ای ورود پیدا کردند. ادامه این روند باعث شد تا از دهه ۸۰ میلادی به بعد، اندیشمندان مختلفی مانند کروگمن، جان پار، فوجیتا، نیجکمپ، پورتر

این حوزه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

### ۳. روش شناسی

روش پژوهش، مبتنی بر فراتحلیل بوده و جستجوی اولیه مقالات بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی Sid، Noormags، Magiran، Iran doc و علم‌نت در بازه زمانی ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) تا ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) انجام شد. دلیل انتخاب سال ۱۳۸۳ (به عنوان شروع بازه زمانی)، مبتنی بر این منطق است که نخستین مقالات علمی- پژوهشی این حوزه که امکان دسترسی به فایل آن‌ها مقدور بود، مربوط به سال مذکور هستند.

مسائل در خصوص مناطق کلان‌شهری چندین برابر می‌شود. یکی از مشخصه‌های بارز عوامل اثرگذار بر آینده مناطق کلان‌شهری، تغییرپذیری شدید آن‌ها و تحولات بالقوه نهفته در هرکدام از این عوامل است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۸). چرخش پارادایمی اواخر دهه هفتاد از ساختارگرایی به پساساختارگرایی نیز، بر لزوم توجه به عدم قطعیت‌ها، کثرت‌گرایی و آینده‌های محتمل، به جای توجه صرف به یک آینده مطلوب (بر مبنای رویکردهای سنتی ساختارگرایی و پساپوزیتویستی) تأکید می‌نماید (انصاری و پرتوی، ۱۳۹۶). بنابراین به کارگیری روش‌های نوین و توجه به عدم قطعیت‌های فرا روی این مناطق و منعکس نمودن چرخش پارادایمی فوق‌الذکر در مطالعات

شکل ۱: فرآیند غربالگری مطالعات جهت ورود به مرحله فراتحلیل



شکل داد و مطالعات بر اساس ماهیت خود، در ذیل یکی از این پنج گونه مطالعاتی جانمایی شده و بر پایه ابعاد مختلف ارزیابی گردیدند که نتایج اولیه این ارزیابی در ماتریس شکل ۲ نشان داده شده است.

در این ماتریس، مقالات به لحاظ ماهیت، ابعاد محتوایی و روش‌شناسی و بر پایه ویژگی‌هایی با قابلیت کمی‌سازی اعم از نوع پژوهش، رویکرد پژوهش، روش گردآوری داده‌ها، محورهای کلیدی، اهداف مطالعاتی، میزان نگاه به آینده و ماهیت سؤالات ارزیابی شده‌اند. بعد نظری مقالات، نتایج عمومی و راهکارهای ارائه‌شده در آن‌ها، با توجه به گستردگی رویکردهای نظری به کار گرفته‌شده در مقالات و گستره وسیع مفاهیم ارائه شده در نتایج و راهکارها، قابلیت کمی‌سازی نداشته و به همین دلیل، بررسی‌های صورت گرفته در نتیجه ارزیابی بعد نظری این مطالعات و همچنین نتایج و راهکارهای پیشنهادی آن‌ها صرفاً به صورت کیفی و در قالب جداولی به تفکیک گونه‌های مطالعاتی ارائه گردیده است.

با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، ۸۷ مقاله مدنظر قرار گرفت و ۱۱ مقاله نیز، در نتیجه بررسی سایر منابع، شناسایی شدند و در مجموع، ۹۸ مقاله وارد مرحله غربالگری گردید. به منظور انتخاب مقالات مناسب جهت فراتحلیل، غربالگری مقالات در سه مرحله انجام و در نهایت ۶۹ مقاله انتخاب شدند (شکل ۱). سپس مقالات منتخب جهت فراتحلیل، از منظر ویژگی‌های عمومی اعم از روند انتشار مقالات، مجلات علمی- پژوهشی انتشار دهنده آن‌ها، اعتبار علمی نویسندگان و توزیع جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفتند. سایر زمینه‌های مورد بررسی در فراتحلیل مقالات در جدول ۱ آمده است. لازم به ذکر است در خلال این ارزیابی‌ها، امکان شناسایی خلأها و شکاف‌های محتوایی، نظری و روش‌شناسانه مطالعات مناطق کلان‌شهری نیز فراهم گردید. به علاوه، برآیند ماهیت مطالعات (گونه‌شناسی آن‌ها) در تلفیق با ابعاد محتوایی و روش‌شناسانه مطالعات، در قالب ماتریس فراتحلیلی ترسیم شد. کدگذاری کیفی مفاهیم موجود در مقالات منتخب، پنج گونه کالبدی- فضایی، اقتصادی، اجتماعی- جمعیتی، مدیریتی و زیست‌محیطی را

شکل ۲: ماتریس فرا تحلیل مطالعات مناطق کلان شهری بر مبنای ماهیت، ابعاد محتوایی و روش شناسی

ماهیت مطالعات: گونه شناسی	مآخذ مطالعات									
	کی	کیفی	توصیفی-تحلیلی	توصیفی	تحلیلی	تجزیه و تحلیل	مورد	تجزیه و تحلیل	تجزیه و تحلیل	تجزیه و تحلیل
مطالعات فضایی-کالبدی	زیاری و همکاران، ۱۳۹۴									
	عبدی دانشپور و تارانتاش، ۱۳۹۶									
	اسدی و زبردست، ۱۳۹۲									
	داداش پور و آفاق پور، ۱۳۹۵									
	زبردست و شهبازی شهمیری، ۱۳۹۲									
	رجیبی و بینش پژوه، ۱۳۸۶									
	حسینی، ۱۳۹۴									
	سرور و جعفری، ۱۳۸۸									
	رجایی، ۱۳۹۴									
	غلامی و زمانی، ۱۳۸۹									
داداش پور و همکاران، ۱۳۹۳										
زبردست و شهبازی شهمیری، ۱۳۹۲										
زبردست و حاجی پور، ۱۳۸۸										
داداش پور و میری لواسانی، ۱۳۹۴										
لطفی و شهبازی شهمیری، ۱۳۹۵										
لطفی و همکاران، ۱۳۹۴										
بوسفیان و همکاران، ۱۳۹۳										
ندایی طوسی، ۱۳۹۷										
ندایی طوسی و باقری، ۱۳۹۶										
همافر و پورجعفر، ۱۳۹۶										
داداش پور و تدین، ۱۳۹۴										
داداش پور و میروکیل، ۱۳۹۵										
داداش پور و تدین، ۱۳۹۴										
رجایی و همکاران، ۱۳۹۴										
داداش پور و علی دادی، ۱۳۹۷										
ظهورزاد و داداش پور، ۱۳۹۷										
داداش پور و سالاریان، ۱۳۹۷										
داداش پور و همکاران، ۱۳۹۸										
داداش پور و زاهدپور، ۱۳۹۷										
پیری و صرامی، ۱۳۹۷										
تلخایی و همکاران، ۱۳۹۷										
داداش پور و همکاران، ۱۳۹۵										
جواهری تقدس و همکاران، ۱۳۹۸										
شریف زادگان و همکاران، ۱۳۹۵										
مطالعات اقتصادی	زبردست و رضا پور، ۱۳۹۴									
	زبردست و شهبازی شهمیری، ۱۳۹۳									
	داداش پور و اکبرنیا، ۱۳۹۲									
	حصاری و همکاران، ۱۳۹۵									
	شریف زادگان و نورایی، ۱۳۹۴									
	زنگنه شهرکی و همکاران، ۱۳۹۳									
	داداش پور، ۱۳۹۰									
داداش پور و ده ده جانی، ۱۳۹۴										
داداش پور و تقی دخت، ۱۳۹۱										
سرور و همکاران، ۱۳۸۹										
علی اکبری، همکاران، ۱۳۹۵										
مطالعات اجتماعی-جمعیتی	بیات و نظریان، ۱۳۹۰									
	شادی طلب و همکاران، ۱۳۹۰									
	رضوانی و همکاران، ۱۳۹۴									
	متوسلی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۵									
منصوریان، ۱۳۹۵										
ارگانی و همکاران، ۱۳۹۶										
مطالعات مدیریت	لاله پور و همکاران، ۱۳۹۰									
	صیامی و وکیل، ۱۳۹۵									
	صیامی، ۱۳۹۴									
	بصیرت، ۱۳۸۵									
	لاله پور و سرور، ۱۳۹۳									
	شریف زادگان و شمس کوشکی، ۱۳۹۲									
	آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷									
	صرافی و نجانی، ۱۳۹۶									
	علیان و همکاران، ۱۳۹۸									
	صرافی و تورانیان، ۱۳۸۳									
اسدی، ۱۳۸۳										
اسدی، ۱۳۹۵										
شیخی، ۱۳۸۵										
زیست محیطی	عبدی دانشپور و تارانتاش، ۱۳۹۵									
	قاسمی و شهبازی، ۱۳۹۴									
	یگانگی دستگردی و همکاران، ۱۳۹۰									
جمعه پور، ۱۳۹۷										
زنگیسه و همکاران، ۱۳۹۷										

جدول ۱: زمینه‌های مورد بررسی در فراتحلیل مطالعات مناطق کلان‌شهری

ویژگی‌های عمومی مطالعات	ماهیت مطالعات	ابعاد مطالعات	نتایج/ راهکارهای ارائه‌شده در مطالعات
- روند انتشار مقالات	- گونه‌شناسی مطالعات به لحاظ حوزه‌های پژوهشی مورد تأکید مقالات.	بعد محتوایی: محورهای کلیدی مطالعات؛ اهداف مطالعاتی؛ ماهیت سوالات؛ ردپای توجه به آینده	- نتایج عمومی مطالعات
- مجلات علمی- پژوهشی انتشاردهنده مقالات	- ارزیابی میزان همخوانی مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران با روند غالب جهانی مطالعات این حوزه.	بعد روش‌شناسی: نوع پژوهش، رویکرد پژوهش و روش گردآوری داده‌ها	- راهکارها به تفکیک گونه‌های مطالعاتی
- اعتبار علمی نویسندگان - توزیع جغرافیایی مقالات	- تغییر در ماهیت مطالعات به واسطه تغییر در چستی مناطق و دگرگونی در پارادایم غالب مطالعاتی (مناطق شهر- بنیاد)	بعد نظری: رویکردهای نظری به تفکیک گونه‌های مطالعاتی.	- مفاهیم مورد تأکید مقالات

#### ۴. نتایج و یافته‌ها

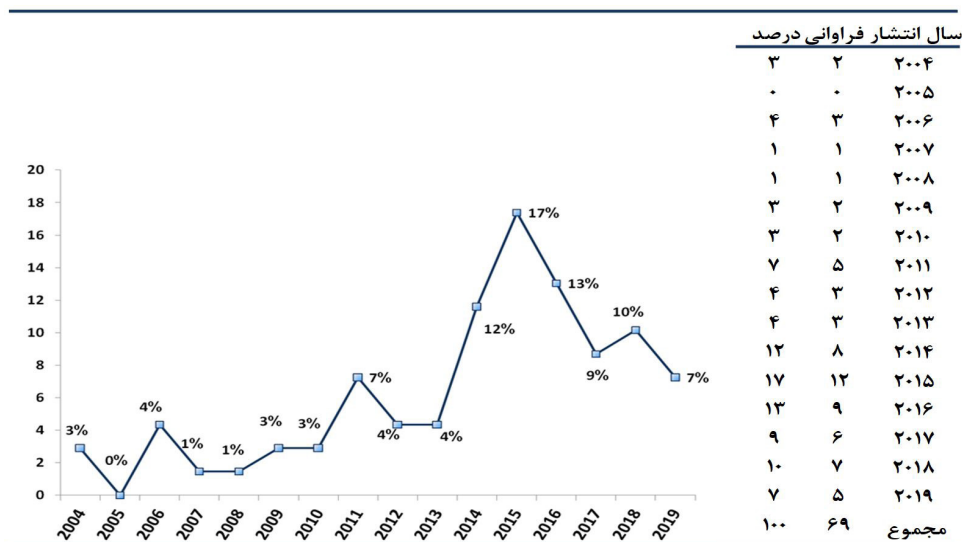
یافته‌های پژوهش در قالب شش محور ویژگی‌های عمومی مقالات (شامل روند انتشار مقالات، اعتبار علمی نویسندگان، مجلات علمی- پژوهشی انتشاردهنده مقالات، توزیع جغرافیایی مقالات)، ماهیت مطالعات و ارزیابی میزان همخوانی آن با روند غالب جهانی، بعد محتوایی مطالعات، بعد روش‌شناسی مطالعات، بعد نظری مطالعات و نهایتاً بررسی مطالعات از منظر نتایج و راهکارهای پیشنهادی ارائه شده است.

#### ۴-۱- ویژگی‌های عمومی مقالات

**روند انتشار:** بر اساس شکل ۳، می‌توان دریافت که روند پژوهش‌های انجام شده در بازه زمانی ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) تا ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) تقریباً افزایشی بوده و سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) بیش‌ترین سهم پژوهش‌های حوزه مناطق

کلان‌شهری به خود اختصاص داده، اما از ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) به بعد، تعداد مطالعات این حوزه با روند کاهشی همراه شده است. افزایش پیچیدگی‌های تحلیلی مسائل، به واسطه گستردگی مقیاس مطالعات این حوزه منجر به این روند کاهشی شده است. تغییر در پارادایم مطالعاتی مناطق شهر- بنیاد (به عنوان پارادایم غالب مطالعاتی این حوزه) از مفاهیم کلان (شهر- منطقه‌ها و مناطق کلان‌شهری) به بسیار کلان (ابرشهرها، مجموعه شهری، منظومه شهری و مفاهیم حاصل از کنار هم قرار گرفتن مفاهیم مقیاس کلان) باعث شده تا در بسیاری از موارد، مطالعات مقیاس مناطق کلان‌شهری، دیگر به تنهایی توانایی پشتیبانی از این مفاهیم را نداشته باشند و این دگرگونی مفهومی، میزان گرایش به سمت مطالعات این حوزه را تحت الشعاع قرار داده است.

شکل ۳: روند انتشار مقالات



پژوهشگر آزاد بودند. سهم بالایی از مقالات این حوزه، تحت نظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها نوشته شده است که مؤید اعتبار علمی این مقالات است.

اعتبار علمی نویسندگان: نتایج نشان می‌دهد که از لحاظ اعتبار علمی، ۷۸ درصد نویسندگان اول مقالات، اعضای هیات علمی، ۱۹ درصد دانشجو و ۳ درصد هم

شکل ۴: اعتبار علمی نویسندگان اول



به چاپ رسیده‌اند که از بین این مجلات، مجله مدیریت شهری با ۸ مقاله و برنامه‌ریزی منطقه‌ای با ۶ مقاله به ترتیب بیش‌ترین میزان انتشار مطالعات این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند که عاملی هم‌چون سابقه شروع به کار نیز در این رتبه‌بندی میزان انتشار مجلات بی‌تأثیر نیست.

مجلات علمی - پژوهشی انتشاردهنده مقالات: عناوین مجلات علمی - پژوهشی انتشار دهنده این مقالات و دارندگان صاحب امتیاز آن‌ها در جدول ۲ آمده است. با توجه به این جدول، می‌توان دریافت که ۶۹ مقاله مورد ارزیابی در این فراتحلیل در ۳۴ مجله علمی - پژوهشی در حوزه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای انتشار یافته‌اند. بیش از نیمی از این مقالات، تنها در ۹ مورد از این مجلات

جدول ۲: مجلات علمی - پژوهشی انتشار دهنده مقالات منتخب

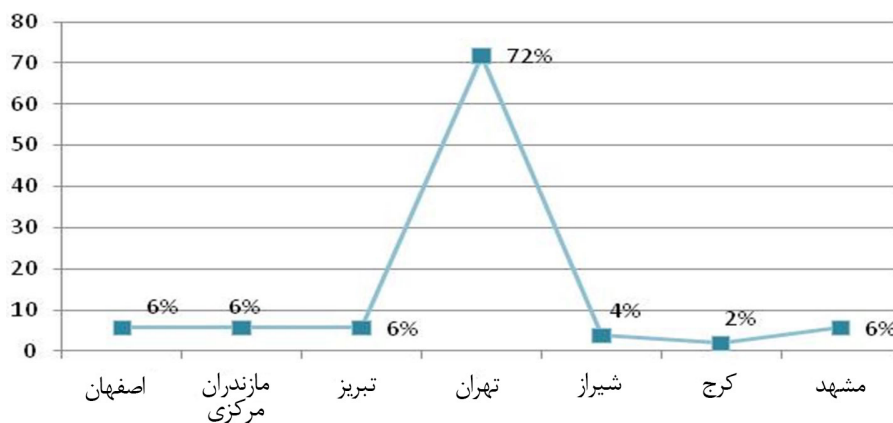
عنوان مجله	صاحب امتیاز	فراوانی	عنوان مجله	صاحب امتیاز	فراوانی
معماری و شهرسازی	پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران	۴	برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای	دانشگاه علامه طباطبایی	۱
نامه معماری و شهرسازی	دانشگاه هنر	۲	هویت شهر	دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	۱
مدیریت شهری	پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی	۸	مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای	معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان	۳
برنامه‌ریزی و آمایش فضا	دانشگاه تربیت مدرس	۳	پژوهش‌های جغرافیای انسانی	موسسه جغرافیای دانشگاه تهران	۳
فضای جغرافیایی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر	۱	فصلنامه جغرافیا	انجمن جغرافیایی ایران	۴
مهندسی جغرافیایی سرزمین	انجمن جغرافیایی ایران	۲	پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری	دانشگاه تهران	۲
برنامه‌ریزی فضایی	دانشگاه اصفهان	۱	اقتصاد و مدیریت شهری	انجمن علمی اقتصاد شهری	۱
مطالعات شهری	دانشگاه کردستان	۴	آمایش سرزمین	دانشگاه تهران	۲
برنامه‌ریزی توسعه کالبدی	دانشگاه پیام نور	۱	مطالعات ساختار و کارکرد شهری	دانشگاه مازندران	۲
برنامه‌ریزی منطقه‌ای	دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت	۶	جغرافیا و توسعه	دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱
جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای	دانشگاه فردوسی مشهد	۱	سیاست علم و فناوری	مرکز تحقیقات و سیاست علمی کشور	۱

عنوان مجله	صاحب امتیاز	فراوانی	عنوان مجله	صاحب امتیاز	فراوانی
فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی	پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱	فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس	دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد	۱
مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی	مرکز ملی مطالعات جهانی شدن	۱	آمایش جغرافیایی فضا	دانشگاه گلستان	۳
مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی	پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم	۱	بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی سابق)	دانشگاه تهران	۱
آمایش محیط	دانشگاه آزاد واحد ملایر	۲	پژوهش‌نامه خراسان بزرگ	دانشگاه امام رضا	۱
مجلس و راهبرد	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۱	جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای	دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱
باغ نظر	پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر	۱	پژوهش هنر	دانشگاه هنر اصفهان	۱

تهران، ریشه در موقعیت استراتژیک آن در مقایسه با سایر مناطق دارد؛ اما باید این نکته را مدنظر قرار داد که سایر مناطق کلان‌شهری نیز مستلزم انجام مطالعات بوده و این اقدام، می‌تواند پشتیبان حرکت به سمت اهداف آمایش سرزمین و پرهیز از قطبی‌گرایی نیز تلقی گردد.

**توزیع جغرافیایی مقالات:** شکل ۵، به وضوح عدم تعادل در توزیع جغرافیایی مقالات این حوزه را نشان می‌دهد، ۷۲ درصد مطالعات، مربوط به منطقه کلان‌شهری تهران بوده و سایر مناطق کلان‌شهری، به ویژه کرج و شیراز، در مجموع تنها ۶ درصد از کل مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه تمرکز مطالعات در منطقه کلان‌شهری

شکل ۵: توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها



و ۷ درصد کم‌ترین میزان مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۶). اولویت‌بندی گونه‌های مطالعاتی، نشان از مشابهت مطالعات این حوزه با روند غالب جهانی دارد. پارادایم غالب جهانی حاکم بر مطالعات این حوزه در قرن بیست و یکم، مشتمل بر سه دسته مطالعاتی چالش‌های فراروی برنامه‌ریزی فضایی مناطق کلان‌شهری، مطالعات مدیریتی- حکم‌روایی این مناطق و نهایتاً مطالعات پیرامون عوامل اقتصادی پدیدآورنده مناطق کلان‌شهری بوده که به ترتیب توسط گونه‌های مطالعاتی کالبدی-

#### ۴-۲- ماهیت مطالعات و ارزیابی میزان همخوانی آن با روند غالب جهانی

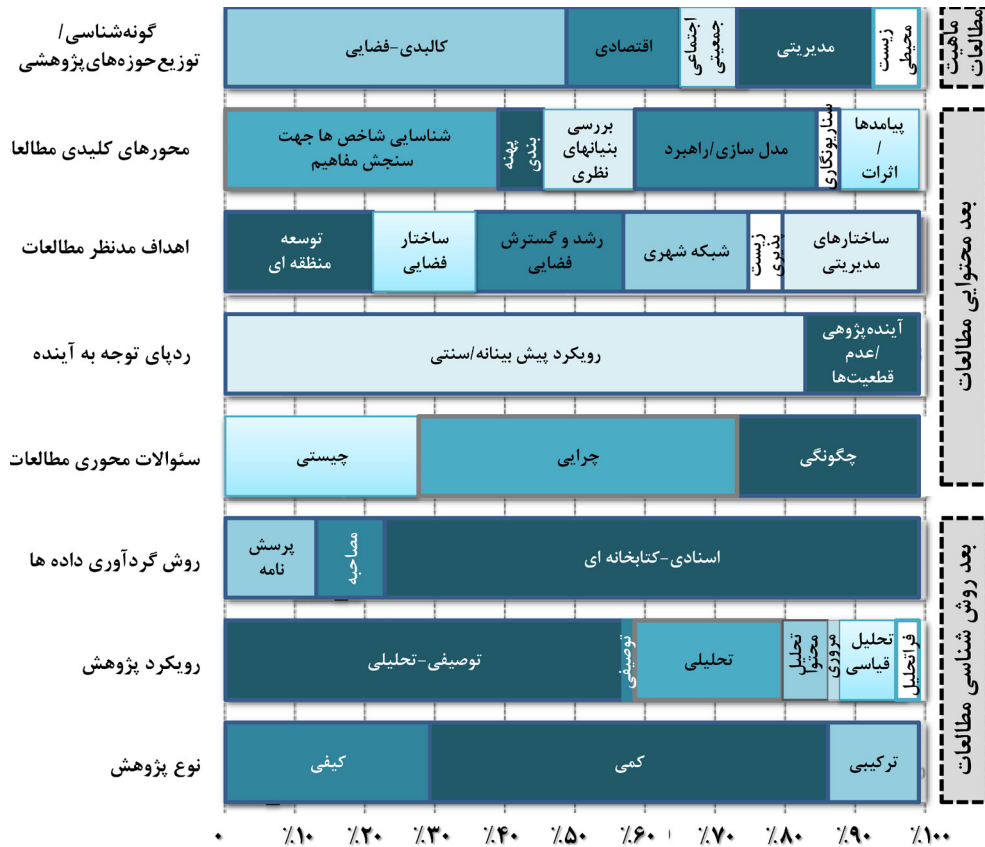
نتایج فراتحلیل نشان می‌دهد که ماهیت عمده این مقالات (۴۹ درصد) معطوف به بررسی کالبدی- فضایی مناطق کلان‌شهری است و سایر مطالعات نیز اغلب بر حوزه‌های پژوهشی مدیریتی (۱۹ درصد) و اقتصادی (۱۶ درصد) تمرکز نموده‌اند. این در حالی است که گونه‌های مطالعاتی اجتماعی- جمعیتی و زیست‌محیطی به ترتیب با ۹ درصد



فضایی، مدیریتی و اقتصادی پوشش داده می‌شوند. ماهیت مطالعات این حوزه، هم به واسطه تغییر در ماهیت (ساختار فضایی) این مناطق و به تبع آن گرایش به سمت مناطق کلان شهری چندمرکزی و حرکت به سمت پذیرش الگوی شبکه و هم در نتیجه دگرگونی پارادایم مطالعاتی مناطق شهر- بنیاد (گذار از مفاهیم کلان به سمت مفاهیم

بسیار کلان) تحت الشعاع قرار گرفته است. اگرچه مطالعات حوزه مناطق کلان شهری، هنوز می‌تواند برخی از ابعاد مرتبط با گذار به سمت این مفاهیم را پشتیبانی نماید؛ اما در اکثر موارد، این دگرگونی مفاهیم، مستلزم حرکت به سمت مقیاس‌های مطالعاتی کلان تری می‌باشد.

شکل ۶: درصد فراوانی مطالعات بر مبنای ماهیت، ابعاد محتوایی و روش‌شناسی مطالعات



نمی‌تواند به عنوان یکی از محورهای اصلی مقالات باشد. کدگذاری کیفی جهت تعیین محورهای پژوهشی نشان می‌دهد که، مقالات مبتنی بر بررسی بنیان‌های نظری و ارائه چارچوب به صورت گریزناپذیری نیازمند بررسی شبکه در سیر تحول نظریات پشتیبان مناطق کلان شهری هستند؛ تعدادی از مقالات نیز در فرآیند بررسی میزان تحقق مفهوم شبکه/سنجش مفاهیم مرتبط با پذیرش این الگو و یا میزان تحقق آرایش الگوی چندمرکزی در مناطق کلان شهری، از این رویکرد استفاده نموده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها، حتی در مورد منطقه کلان‌شهری تهران نیز، اگرچه نشانه‌هایی از حرکت به سمت آرایش فضایی چندمرکزی در این منطقه به چشم می‌خورد، اما هنوز نمودی از تحقق مفهوم شبکه در این منطقه دیده نمی‌شود. این در حالی است که صرفاً در موارد معدودی مثل منطقه کلان‌شهری مازندران مرکزی، شواهدی مبنی بر وجود منطقه کلان‌شهری چندمرکزی

#### ۴-۳- بعد محتوایی مطالعات

محورهای کلیدی مطالعات: بر اساس کدگذاری‌ها، محورهای کلیدی مطالعات عمدتاً مواردی نظیر توسعه منطقه‌ای، رشد و گسترش فضایی، ساختار فضایی، شبکه شهری، زیست‌پذیری و ساختارهای مدیریتی را شامل می‌شوند. با توجه به شکل ۶ می‌توان دریافت که سه محور توسعه منطقه‌ای، رشد و گسترش فضایی و ساختارهای مدیریتی با ۳۰.۲ درصد به صورت مشترک، بیش‌ترین سهم را داشته و مقالات با محوریت موضوعی زیست‌پذیری (۵.۸ درصد)، ساختار فضایی (۱۴.۵ درصد) و شبکه شهری (۱۷.۴ درصد) نیز کم‌ترین میزان مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند. در خصوص مقالات با محوریت موضوعی شبکه شهری، شاید همین تعداد اندک نیز در وهله اول، زیاد به نظر برسد و با توجه به مقیاس مدنظر مقاله، این دیدگاه به ذهن متبادر شود که اصولاً رویکرد شبکه‌ای،

و نشانه‌هایی از امکان حرکت به سمت پذیرش رویکرد شبکه وجود دارد. بر پایه نتایج پژوهش شهایی شهرداری و زبردست (۲۰۱۵)، اگرچه نشانه‌هایی از افزایش هم‌افزایی افقی و پیوندهای همکارانه در طی دهه‌های اخیر و شکل‌گیری برخی پایه‌های لازم برای پذیرش الگوی شبکه در این منطقه کلان‌شهری دیده می‌شود؛ اما در عین حال بررسی تمایز نقش اقتصادی به عنوان پیش نیاز هم‌افزایی عمودی (تار عنکبوتی) نیز، بیانگر عملکرد ضعیف و کاهش ۵۰ درصدی نقش‌های اقتصادی مکمل شهرهای این منطقه در طی این دهه‌ها است. نهایتاً ندایی طوسی (۲۰۱۸)، از رویکرد شبکه برای سناریو نگاری و خلق آینده‌های بدیل در منطقه کلان‌شهری کرج بهره برده است.

نتایج ضمن آن که نشان از مشابهت پژوهش‌های این حوزه در ایران با روندهای غالب جهانی دارند، اما بر لزوم مطالعات بیشتر در خصوص زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی و به طور کلی توسعه پایدار این مناطق (به لحاظ ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) نیز تأکید می‌نمایند. به علاوه، علی‌رغم اهمیت مطالعات ساختار فضایی در دهه‌های اخیر در متون جهانی و اثرات مستقیم این ساختارها بر توسعه پایدار، تنها ۱۴٫۵ درصد مقالات، به این محور پژوهشی پرداخته‌اند و در میان این مقالات نیز، نقش شبکه‌های ارتباطی و دسترسی به حمل و نقل و هم‌چنین زیرمراکز فعالیتی، به عنوان ارکان اصلی اثرگذار بر شکل‌گیری ساختار فضایی این مناطق، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

**اهداف مدنظر مطالعات:** نتایج نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از مطالعات (۳۹ درصد) به دنبال شناسایی شاخص‌ها جهت سنجش مفاهیمی هم‌چون درجه چندمرکزی، تعیین فاز شهرنشینی مناطق کلان‌شهری با توجه به مدل شهرنشینی متغیر، میزان تعامل مناطق با شبکه شهرهای جهانی و سنجش میزان رقابت‌پذیری منطقه‌ای بوده‌اند. تعداد اندکی از مطالعات (۳ درصد)، سناریونگاری را به عنوان هدف مطالعاتی خود انتخاب نموده‌اند، صرفاً ۷ درصد مطالعات به پهنه‌بندی پرداخته و مطالعات مبتنی بر بررسی بنیان‌های نظری/ پیامدها و اثرات نیز، در مجموع فقط ۲۴ درصد مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که این اهداف از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات مناطق کلان‌شهری برخوردارند. به عنوان مثال، پهنه‌بندی (تعیین مناطق به عنوان واحدهای همگن برنامه‌ریزی)، نخستین گام در فرآیند برنامه‌ریزی در مقیاس کلان محسوب می‌شود؛ هم‌چنین شناسایی بنیان‌های نظری می‌تواند زمینه‌ساز ریشه‌یابی نظری چالش‌ها باشد و نهایتاً بررسی پیامدها و اثرات می‌تواند به عنوان مکملی برای تمامی ابعاد پژوهشی به ویژه مطالعات بعد زیست‌محیطی لحاظ گردد.

**سؤالات محوری مطالعات/ ردپای توجه به آینده:**

شناسایی سؤالات در پژوهش‌های قلمروی مناطق کلان‌شهری، می‌تواند یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی جهت ارزیابی بعد محتوایی مطالعات باشد، بنابراین شاخص سه‌گانه بلیکی (چیستی، چرایی و چگونگی) جهت ارزیابی سؤالات پژوهش‌ها انتخاب شد و همان‌طور که در شکل ۶ مشاهده می‌شود، تنها ۲۹ درصد پژوهش‌ها، در سطح بررسی چیستی پدیده مانده‌اند و عمده پژوهش‌ها (۴۴ درصد)، علاوه بر بررسی چیستی، چرایی مفاهیم مورد بررسی در مناطق کلان‌شهری را البته اغلب به صورت سطحی-نه به صورت عمقی و مبتنی بر واکاوی- مورد بررسی قرار داده‌اند. تعداد کمی از مقالات (۲۷ درصد) نیز مبتنی بر چگونگی بوده و در خصوص ساختار فضایی مطلوب، ترتیبات حکم‌روایی- نهادی و چگونگی ایجاد تعادل منطقه‌ای راهکارهایی ارائه نموده‌اند. پژوهش‌های مبتنی بر سؤالات چگونگی، عمدتاً معطوف به ارائه راهکارها و پیشنهادات مرتبط بوده و تنها دو مقاله، توجه به مواضع هنجارین (بایدها و نبایدها) را بر مبنای اصول آینده‌پژوهی مدنظر قرار داده‌اند. ردپای توجه به آینده صرفاً در ۱۲ مقاله دیده می‌شود که از بین این تعداد، تنها ۱۷ درصد، به عدم قطعیت‌ها و مواضع هنجارین پرداخته‌اند و سایر مقالات (۸۳ درصد)، صرفاً با استفاده از رویکرد سنتی و با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی آینده هم‌چون ملند، مدل اتوماسیون سلولی، زنجیره مارکوف و یا مدل‌های ترکیبی زنجیره مارکوف، سلول‌های خودکار و رگرسیون لجستیک، مواردی نظیر تغییرات کاربری زمین و یا روند آبی رشد و گسترش فضایی را پیش‌بینی نموده‌اند.

#### ۴-۴- بعد روش‌شناسی مطالعات

نتایج ارزیابی مقالات از منظر روش‌شناسی (نوع پژوهش، رویکرد پژوهش و هم‌چنین روش گردآوری داده‌ها) نشان می‌دهد که عمده مطالعات انجام‌شده در زمینه مناطق کلان‌شهری (۵۸ درصد) مبتنی بر روش کمی بوده، تعداد محدودی از مقالات (۳۰ درصد) روش کیفی داشته و تنها ۱۲ درصد بر پایه روش‌های ترکیبی انجام شده‌اند. از منظر رویکرد پژوهش، در بخش قابل توجهی از مطالعات (۵۸ درصد)، فقط به آوردن عنوان توصیفی- تحلیلی اکتفا شده و این مقالات، عمدتاً فاقد چارچوب تحلیلی استاندارد هستند و تنها بخش معدودی از مقالات، با رویکردهای استاندارد هم‌چون مروری، فراتحلیل و یا تحلیل محتوا انجام شده‌اند. روش کتابخانه‌ای- اسنادی، عمده‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات بوده و کم‌تر از ابزار پرسش‌نامه و یا مصاحبه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است (شکل ۶).

#### ۴-۵- بعد نظری مطالعات

رویکردهای نظری متفاوتی در نتیجه فراتحلیل مقالات و به تناسب ابعاد مختلف این پدیده شناسایی شد که سعی

شهرگرایی کلاسن (۱۹۸۱)، نظریه زوال شهری برگ و همکاران (۱۹۸۲) و هم‌چنین ریخت‌شناسی شهری ناکس و پینچ (۲۰۰۴) به عنوان نظریه پایه انتخاب شده‌اند. مطالعات گونه مدیریتی، عمدتاً بر پایه رویکردهای نظری مبتنی بر منطقه‌گرایی شکل گرفته‌اند و تعداد معدودی از مطالعات، از رویکردهای مکملی هم‌چون نظریه بازی‌ها بهره برده‌اند. این نظریه می‌تواند با امکان مدل‌سازی تعاملات میان گروه‌های تصمیم‌گیری در فرایند مدیریت شهری (سطوح کلان و خرد) و در نهایت با تحلیل اقدامات مشترک، زمینه و نتایج این تعاملات را پیش‌بینی نماید (Rouboutsos & Kapros, 2008).

در خصوص منطقه‌گرایی به عنوان رویکرد نظری غالب عمده مطالعات این‌گونه، می‌توان به سه نظریه اصلی منطقه‌گرایی سنتی (۱۹۰۰-۱۹۷۰)، رویکرد انتخاب عمومی (۱۹۷۰-۱۹۹۰) و منطقه‌گرایی نوین (بعد از دهه ۱۹۹۰) اشاره کرد. اگرچه در منطقه‌گرایی سنتی، اندیشمندان خواستار ایجاد حکومت کلان‌شهری بوده و آن را راه حلی برای چیرگی بر چالش تفرق سیاسی موجود در مناطق کلان‌شهری می‌انگاشتند، اما طرفداران رویکرد انتخاب عمومی بر خلاف منطقه‌گرایی سنتی، تفرق سیاسی، را نه تنها یک چالش نمی‌دانند؛ بلکه آن را به مثابه یک مزیت می‌شمرند. آن‌ها معتقدند که تفرق سیاسی، عاملی است که واحدهای حکومت محلی را بر آن می‌دارد تا با پایین نگه داشتن سطح مالیات و ارائه خدمات عمومی با هزینه کم‌تر و هم‌چنین پاسخگویی بیشتر، جهت جذب ساکنان و کسب و کار بیش‌تر با یکدیگر رقابت نمایند (Savitch & Vogel, 2009). در نهایت، نظریه‌پردازان منطقه‌گرایی نوین بر حکم‌روایی کلان‌شهری تأکید می‌کنند که مبتنی بر بر شبکه‌های افقی غیررسمی بوده و دغدغه اصلی آن‌ها کاهش تفاوت بین شهر مرکزی و حومه‌ها است (صرافی و نجاتی، ۱۳۹۶).

بر آن بوده تا به تفکیک گونه‌های مطالعاتی، در جدول ۳ ارائه گردند. با توجه به این جدول، می‌توان دریافت که نظریات پشتیبان مطالعات ذیل گونه کالبدی-فضایی مشتمل بر نظریات مرتبط با تحولات ساختار فضایی و نظریات مراحل شهرنشینی و شکل‌گیری الگوهای توسعه شهری می‌باشد. بررسی نظریات تحولات ساختار فضایی، نشان از چرخش پارادایمی از سلسله‌مراتبی سنتی به پارادایم شبکه‌ای دارد. در واقع، نظریات سلسله‌مراتبی - نظریه مکانی فن تونن (۱۸۲۶)، نظریه مکان مرکزی کریستالر و لوش، نظریات اکولوژی شهری مکتب شیکاگو (مکنزی، بوگو وهاولی) و نظریه تک مرکزی آلسو (۱۹۶۴) - مبتنی بر وابستگی عملکردی پیرامون به مرکز بوده است؛ در حالی که نظریات پارادایم شبکه‌ای - نظریه سیستم‌های شهر در اقتصادهای پیشرفته پرد (۱۹۷۷)، کامانی و سالونه (۱۹۹۳)، باتن (۱۹۹۵) و کاپلو (۲۰۰۰) - بر پایه این دیدگاه شکل گرفته‌اند که روابط عملکردی بین شهرهای منطقه مبنی بر پیوندهای دوطرفه و متقابل بوده و علاوه بر جهت‌گیری از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و بین شهرهای هم‌اندازه نیز می‌توانند جریان داشته باشند. بر اساس این رویکرد، روابط بین شهرها، مکمل یک‌دیگر است و بر پایه روابط رقابتی و در عین حال همکارانه شکل می‌گیرد (شبکه‌های مکمل و هم‌افزا). یکی دیگر از رویکردهای نظری به کار گرفته‌شده در مطالعات کالبدی-فضایی، نظریات مراحل شکل‌گیری الگوهای توسعه شهری (منحنی S شکل دیویس (۱۹۸۱)، چرخه شهرگرایی کلاسن (۱۹۸۱)، مراحل توسعه شهری رنای شورت (۱۹۸۴)، مراحل توسعه سیستم شهری روزانه برگ و همکاران (۱۹۸۲)، هم‌چنین نظریه ریخت‌شناسی شهری ناکس و پینچ (۲۰۰۴) و نظریه انفجار متروپلیس) هستند که در اغلب مطالعات مبتنی بر این نظریات، چرخه

جدول ۳: رویکردهای نظری به تفکیک گونه‌های مطالعاتی

کالبدی-فضایی	مدیریتی	اقتصادی	اجتماعی-جمعیتی	زیست‌محیطی
* سجا <sup>۱۱</sup> (۱۹۸۹)				
- تمرکز و انباشت سرمایه، گسترش شهرها و آغاز مهاجرت‌های روستایی به شهرها	* نظریات منطقه‌گرایی: - منطقه‌گرایی سنتی (۱۹۰۰-۱۹۷۰)	* نظریات جهانی شدن و تغییر در نقش و الگوی فضایی مادرشهرها: - ساسن (۱۹۹۰)	* دیدگاه برایان بری (۱۹۷۶): شهرگرایی یا جریان معکوس مهاجرت	* دیدگاه فریدمن و ویور <sup>۱۶</sup> (۱۹۷۹): تأکید بر مکان، نگاه آمایشی و اکولوژیک به توسعه سرزمین و توجه به محدودیت‌ها و قابلیت‌های جغرافیایی و اکولوژیک
- شهر سرمایه‌داری در انحصار شرکت‌های بزرگ صنعتی: در دهه ۱۹۲۰، کاهش تمرکز تولید صنعتی در اطراف مراکز شهری و هسته‌های شهری قدیمی	- رویکرد انتخاب عمومی (۱۹۷۰-۱۹۹۰)	- مانوئل کاستلز (۲۰۱۰، ۱۹۸۹): برنامه‌ریزی استراتژیک شهرها برای توسعه پایدار، زمینه‌ساز افزایش توان رقابت در شبکه شهرهای جهانی و عدم منافات با مفهوم توسعه پایدار - جان فریدمن (۱۹۹۹)		

کالبدی-فضایی

مدیریتی

اقتصادی

اجتماعی-جمعیتی

زیست محیطی

- \* ماکیکو<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸): پیدایش شهر چندهسته‌ای، در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ویژه در شمال آمریکا، و توسعه به سمت نواحی پیرامونی؛
- \* هال و پین<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۶): به زیر توسعه رفتن اراضی پیرامونی و وقوع پدیده؛ پراکنده‌رویی در ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰؛ تمایل شهرها به سمت مجموعه‌هایی چندمرکزی و ظهور کلان‌شهرهای چندهسته‌ای در سال‌های پایانی سده بیستم
- \* نظریات سلسله‌مراتبی: نظریه مکانی فن تونن؛ نظریه مکان مرکزی کریستالر و لوش (۱۹۵۵)؛ نظریه‌های ساخت شهر (پارک، برگس و مکنزی، ۱۹۸۴)؛ نظریه تک مرکزی آلسو (۱۹۶۴)
- \* تیلور (۲۰۰۷): نظریه‌های شهر- حومه‌ای: نظریه مکان مرکزی کریستالر و الگوهای مبتنی بر مدل سنتی/ سلسله‌مراتبی (رویکردهای مبتنی بر وابستگی خدماتی)؛ نظریه‌های شهر- منطقه‌ای (رویکردهای رقابت مینا)
- \* نظریات کمپن و اوزاکن: (الگوهای جدایی‌گزینی فضایی)؛ نظریه رهیافت اکولوژیکی انسانی؛ رهیافتی مبتنی بر تحلیل ناحیه اجتماعی و اکولوژیکی؛ رهیافت رفتاری بر پایه جنبه‌های تقاضای بازار مسکن مانند ساختار جمعیت‌شناسی، سطح درآمد و دسترسی به اعتبارات
- \* ویلر<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۴): لزوم حرکت به سمت فرآیندهای برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی، با مشارکت تمامی ذی‌نفعان
- \* مدل‌های نظریه بازی (نظریه تصمیم‌گیری تعاملی): فون نویمان و مورگنسترن (۱۹۹۴)؛ هاوارد (۱۹۷۱)؛ فریزر و هیپل؛ کیلگور، هیپل و فنگ (مدل گراف برای حل مناقشات)
- \* ریچارد نورگارد (۱۹۹۴): اشاره به مدل مؤثری از فرآیند همکاری تکاملی
- \* نظریات آمایش سرزمین با هدف ساماندهی توسعه نامتوازن: نظریه ناپیوستگی میردال (۱۹۵۷) با بهره‌گیری از اثرات انتشار تدریجی رشد؛ هیلهورست<sup>۱۵</sup> (۱۹۷۱): از بین بردن دوگانگی درون منطقه‌ای با تأکید بر تقویت مراکز درجه دو در اطراف مرکز منطقه و مراکز درجه سه در اطراف مرز منطقه؛ داگلاس (۲۰۰۶): معتقد به سرمایه‌گذاری همزمان در فضای شهری و روستایی بر مبنای الگوی شبکه منطقه‌ای
- \* انگاشت خوشه‌های صنعتی (۱۹۸۰)
- \* سجا (۲۰۰۹): گذار از توسعه اقتصادی مناطق به توسعه چندبعدی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و غیره) در نتیجه ورود به عصر اطلاعات و جهانی‌شدن؛ جایگزین شدن توسعه منطقه‌ای بالا به پایین و غالباً توسط دولت (دولت رفاه) با رویکرد نومنته‌گرایی، مبتنی بر لزوم مشارکت و نقش مردم و بخش‌های خصوصی در توسعه به صورت پایین به بالا
- \* مفهوم پایه‌ای آر. پی. میسرا (۱۹۸۷): تمرکز نامتمرکز یا حد اعتدال تمرکز
- \* سایر رویکردهای نظری مرتبط با شهرگرایی:
- بورن و لوگان (۱۹۷۶) و وینینگ و کانچولی (۱۹۷۸): بررسی «فضای چرخشی جمعیت» در آمریکا، کانادا، استرالیا و بخش اعظم اروپای غربی
- کومیس و همکاران (۱۹۸۹): شهرگرایی در اروپا
- کلاسن و ون دن برگ (۱۹۸۱): چرخه شهرنشینی: شهرگرایی به معنای پیشی گرفتن کاهش جمعیت مرکز در مقایسه با کاهش جمعیت پیرامون
- \* ریچاردسون (۱۹۷۳): برگشت تمرکز
- \* کیویبرز (۲۰۱۱): رشد شهری
- \* مارک. جی. اسمیت (۱۹۹۸): شهروند اکولوژیک
- \* دابسون<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۷): شهروند زیست‌محیطی
- \* شاخص ردپای اکولوژیکی (۱۹۹۲): بررسی اندازه مصرف منابع محیطی و مقایسه آن با ظرفیت‌های محیطی، راهنمای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران جهت اتخاذ سیاست‌های تثبیت یا تغییر شیوه زندگی و مصارف عمومی

رویکرد دوم، به مثابه مشتق کلان- اقتصادی بوده و بر این باور است که تأکید صرف بر بهره‌وری شرکت‌ها (رویکرد نخست)، به زیان شرکت‌ها و مردم منطقه بوده و شرکت‌ها می‌بایست بتوانند با تولید ارزش افزوده پایدار، بهبود کیفیت زندگی و رفاه شهروندان را نیز امکان‌پذیر سازند (Borozan, 2008).

نظریه‌های مزیت‌های مکانی به کارگرفته شده در مقالات نیز نشان از سیر تحولی این نظریات در گذر زمان دارند.

نظریه‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای به عنوان یکی از ارکان اصلی اثرگذار بر توسعه منطقه‌ای مبتنی بر دو دیدگاه رقابت‌پذیری به مثابه حاصل جمع خرد- اقتصادها (پورتر ۱۹۹۰، ۲۰۰۲ و کروگمن، ۱۹۸۸) و رقابت‌پذیری به مثابه مشتق کلان- اقتصادی (استورپر (۱۹۹۷) و دئیکسترا) می‌باشد. رویکرد نخست، رقابت‌پذیری منطقه‌ای را همان بهره‌وری شرکت‌های مستقر در منطقه دانسته که در نهایت توسعه منطقه‌ای را به همراه دارند. در حالی که

(۱۳۹۵).

بررسی مطالعات اجتماعی- جمعیتی نیز نشان می‌دهد که این مطالعات، عمدتاً مبتنی بر مفاهیم و نظریات مرتبط با شهرنشینی (تمرکزگرایی جمعیتی) و زوال جمعیتی شهر مرکزی می‌باشند. زوال شهری (ضد شهرنشینی، شهرگریزی و یا برگشت تمرکز)، زمانی رخ می‌دهد که رشد حلقه‌های بیرونی کلان‌شهر در مقایسه با مناطق اصلی بیش‌تر باشد. لازم به ذکر است شهرگریزی، مربوط به کشورهای توسعه‌یافته و برگشت تمرکز، عمدتاً مختص کشورهای در حال توسعه پیشرفته‌تر است (منصوریان، ۱۳۹۵؛ ارگانی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از نظریات پرکاربرد در مبانی نظری این مقالات، نظریه برگشت تمرکز ریچاردسون (۱۹۷۳) می‌باشد. نهایتاً بررسی مطالعات زیست‌محیطی نیز، نشان از وجود برخی مفاهیم پایه‌ای و نظریات دارد. یکی از رویکردهای نظری جالب در این مقالات، بهره‌گیری از مدل نظری فرآیند همکاری تکاملی ریچارد نورگارد (۱۹۹۴) است. چارچوب سیستمی این اقتصاددان اکولوژیکی، بررسی پیوند میان عوامل و مؤلفه‌های مختلف (ارزش‌ها، دانش، سازمان، نظام‌های انسانی، محیط طبیعی و تکنولوژی) و کنش و برهم‌کنش آن‌ها را در قالب یک جریان فرایندی امکان‌پذیر ساخته و با قابلیت ایجاد تغییرات ساختاری- نهادی و یا اجتماعی، بسترهای لازم جهت حرکت مناطق کلان‌شهری به سمت توسعه پایدار را فراهم می‌نماید.

#### ۴-۶- بررسی مطالعات از منظر نتایج و راهکارهای پیشنهادی

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مناطق کلان‌شهری در ایران، با دو نوع از عدم تعادل و توازن دست به گریبان هستند. نوعی از عدم تعادل، مختص پهنه سرزمینی بوده و در مقیاس ملی (بین مناطق کلان‌شهری) مشاهده می‌شود که عمدتاً ناشی از سیاست‌های قطب‌رشد و تمرکز امکانات و سرمایه در برخی مناطق کلان‌شهری به ویژه منطقه کلان‌شهری تهران است. نوع دیگری از عدم تعادل در مقیاس درون‌منطقه‌ای (بین مرکز و پیرامون) مشهود بوده و اغلب در نتیجه تفرق سیاسی، جدایی‌گزینی بین شهر و روستا در برنامه‌ریزی‌ها و به طور کلی عدم توجه به منطقه‌گرایی ایجاد می‌شود. جهانی‌شدن نیز به این عدم تعادل فضایی دامن زده و با تمرکز هر چه بیش‌تر امکانات در کلان‌شهر مرکزی، نابرابری بین مناطق کلان‌شهری مرکزی و سایر نقاط را دوچندان می‌نماید (چالش‌های فرا روی برنامه‌ریزی فضایی). این روند، از یک سو نتیجه مستقیم اتخاذ سیاست‌های قطب‌رشد بوده و از سوی دیگر، ساختار متمرکز حاکم، نگرش بخشی، برنامه‌ریزی از بالا به پایین و برنامه‌گریزی دستگاه‌ها، سوء استفاده مدیریت شهری از این نابسامانی و شرایط آشفته، قطبی‌گرایی و نبود سیاست‌های مبتنی بر آمایش سرزمین

نظریات دوره نخست (۱۸۰۰ تا ۱۹۵۰) مبنی بر تعیین مکان بهینه صنایع بر مبنای حداقل هزینه بوده و نظریات مکتب آلمانی مکان‌یابی صنعتی (فن تونن، لانهارت، وبر، هوور و لوش) از نظریات این دوره هستند. دوره دوم (۱۹۵۰ تا اواخر ۱۹۷۰) مبنی بر دیدگاه‌هایی هم‌چون لزوم بیش‌ترین میزان فاصله بین منحنی هزینه و درآمد به عنوان مبنای تعیین مکان بهینه جهت استقرار صنایع (گرین هات) بوده و بر هزینه‌های تولید و نقش عوامل اجتماعی اثرگذار در موفقیت یک فعالیت (والترایزارد) و صرفه‌جویی‌های مقیاس و جایگزینی عوامل کنش و تقاضا در مکان‌یابی صنایع (نظریه آلسو) تأکید دارد. این در حالی است که دوره سوم (۱۹۸۰ به بعد) تحت عنوان نظریات جغرافیای اقتصاد تکاملی/ جغرافیای اقتصادی نوین بوده و نظریه‌پردازان آن (کروگمن، جان پار، فوجیتا، نیجکمپ و پورتر) بر انگاشت خوشه‌های صنعتی به عنوان عامل تعیین‌کننده در تصمیمات مکانی بنگاه‌های صنعتی تأکید دارند (داداش پور، ۱۳۹۰). در واقع، راهبرد توسعه خوشه‌های صنعتی- تمرکز جغرافیایی صنایع دارای روابط درونی و نهادهای مرتبط با آن در یک حوزه ویژه- زمینه ایجاد صرفه‌های مختلف اقتصادی و خلق ایده‌های نو جهت ایجاد مزیت‌های رقابتی در روند جهانی شدن و به تبع آن توسعه منطقه‌ای را فراهم می‌آورد (Cruz & Teixeira, 2010).

با توجه به نقش برجسته جهانی شدن در تغییرات به سمت شهرنشینی منطقه‌محور، نظریاتی هم‌چون ساسن (۱۹۹۰) و مانوئل کاستلز (۱۹۸۹) نیز در مطالعات به کارگرفته شده است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که جهانی شدن با تقسیم بین‌المللی تولید و شکل‌گیری شرکت‌های فراملیتی و استقرار سرمایه‌های سیال این شرکت‌ها برای تولید بهینه در مناطق کلان‌شهری همراه است. به این ترتیب با ظهور زمینه‌های کارکردی جدید برای شهرها و به طور مشخص مناطق کلان‌شهری در مقیاس جهانی، فرصت مناسبی برای توسعه این مناطق به ویژه در کشورهای در حال توسعه به دلیل نیاز حیاتی به سرمایه، فناوری و تکمیل فرایند صنعتی شدن آنان فراهم شده است. در زمینه جهانی شدن و توسعه پایدار نیز، جان فریدمن (۱۹۹۹) عنوان نموده که برنامه‌ریزی استراتژیک شهرها برای توسعه پایدار منجر به مشارکت در تقسیم کار جهانی تولید، پذیرش نقش‌های مناسب و افزایش توان رقابت‌پذیری در شبکه شهرهای جهانی خواهد شد. پایداری مناطق کلان‌شهری، به ویژه در بعد اقتصادی، بدون توجه به ملاحظات اقتصاد جهانی به دست نمی‌آید و حیطة کارکردی این گونه شهرها باید فراتر از سطح ملی و در واقع پیش‌تاز استفاده از فرصت‌های بین‌المللی باشد و این امر، علی‌رغم ادعای مخالفان جهانی شدن، هیچ منافاتی با توسعه پایدار ندارد (سرور و همکاران، ۱۳۸۹؛ لاله پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ لطفی و شهابی شه‌میری،

(چالش‌های فرا روی مدیریت/ حکم‌روایی این مناطق)، این عدم تعادل و توازن منطقه‌ای را تشدید می‌نمایند. مجموعه این شرایط، تمرکز امکانات در برخی مناطق در مقایسه با سایر مناطق، با تفاوت‌های قابل توجه و به تبع آن گرایش روزافزون سرمایه و نیروی انسانی به سمت این مناطق را به همراه دارد.

طبیعتاً در بین این مناطق، منطقه کلان‌شهری تهران با توجه به موقعیت استراتژیک خاص خود و انباشت و تمرکز سرمایه رانت‌های ناشی از درآمدهای نفتی (عوامل اقتصادی پدیدآورنده مناطق کلان‌شهری)، به جای آن که گره‌گاه تولید اقتصادی-بازار اصلی اشتغال، ارزش افزوده و تولید اقتصادی- باشد؛ به یک گره‌گاه مصرفی بدل شده که تمامی سرمایه و نیروی انسانی کشور را به سمت خود می‌بلعد. طبیعتاً این تمرکز افراطی منتج از سیاست‌های قطب رشد، بیش‌تر از ظرفیت اکولوژیک این منطقه بوده و نه تنها این منطقه، بلکه تمامی پهنه سرزمینی ایران را از منظر تمامی ابعاد به ویژه بعد زیست‌محیطی با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده است. این ویژگی، هم‌چنین زمینه‌ساز پیدایش نوع دوم عدم تعادل (عدم توازن درون منطقه‌ای بین مرکز و پیرامون) شده و مشخصاً نقطه‌های آغازین آن به دهه ۵۰ برمی‌گردد که در قالب استعاره قطبش فضایی (تضاد بین مرکز و پیرامون) پدیدار شد. در واقع، اگرچه یکی از خصیصه‌های برجسته شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، رشد روزافزون پدیده نخست‌شهری می‌باشد؛ اما اقتصاد نفتی یا اقتصاد رانتی، رقابت‌های نابرابر اقتصادی در فضا و دوگانگی شهر و روستا را تشدید نموده (مهدوی وفا، ۱۳۸۸) و باعث شکل‌گیری نوعی دوگانگی فضایی، هم در مقیاس کلان پهنه سرزمینی و هم در سطوح خرد شده است.

یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر این عدم تعادل درون منطقه‌ای، سنجه جمعیتی یعنی همان سرمایه انسانی جذب شده به سمت مناطق کلان‌شهری است. در واقع، حرکت جریان‌های غالب جمعیتی به سمت این مناطق (عوامل جمعیتی پدیدآورنده مناطق کلان‌شهری) و پیدایش شهرهای فاقد استقلال عملکردی و مبتنی بر وابستگی در پیرامون این مناطق مرکزی، بر روند فزاینده تمرکززدایی در شهرهای مرکزی-برون‌فکنی جمعیت و رشد شهرهای کوچک در فواصلی بیش‌تر با شهر مرکزی- و به بیان روشن‌تر، برگشت تمرکز صحنه می‌گذارد. در واقع، این جریان‌های غالب جمعیتی همان مهاجران برون منطقه‌ای هستند که با امید دستیابی به زندگی بهتر، به سمت مناطق کلان‌شهری جاذب جمعیت به ویژه تهران روانه شده و در ادامه به دلیل مشکلات متعدد به ویژه اقتصادی (عوامل اقتصادی پدیدآورنده مناطق کلان‌شهری) به مهاجرین درون منطقه‌ای بدل شده و زمینه پیدایش سکونت‌گاه‌های خودرو و پیرامونی، کاهش جمعیت شهر اصلی و افزایش جذب جمعیت در شهرهای

کوچک (پدیده برگشت تمرکز) و نهایتاً بازتولید مستمر سکونت‌گاه‌های ثانویه را رقم می‌زنند. این روند، زمینه‌ساز تشدید شکل‌گیری الگوهای رشد و توسعه فضایی پراکنده در مناطق کلان‌شهری بوده و متأسفانه، تاکنون هیچ‌گونه تمهیدات سیاستی اثربخشی، چه در مقیاس برنامه‌ریزی منطقه‌ای و چه در مقیاس ملی، برای این رشد قارچ‌گونه جمعیتی و کالبدی اندیشیده نشده است.

مرور مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران، نشان از غلبه الگوی تک مرکزی در این مناطق داشته و صرفاً در موارد معدودی، مثل منطقه کلان‌شهری تهران (داداش پور و علی دادی، ۱۳۹۷)، بیانگر آن است که زیرمراکز فعالیتی و نقش برجسته آن‌ها در توزیع جمعیت در این منطقه، نوید شکل‌گیری منطقه کلان‌شهری چند مرکزی را می‌دهند. هم‌چنین در منطقه کلان‌شهری مازندران مرکزی نیز، شواهد نشان دهنده شکل‌گیری منطقه کلان‌شهری چندمرکزی و طی نمودن سیر تکوینی آن است (زبردست و شهابی شهمیری، ۱۳۹۳؛ داداش پور، حق‌جو و شهابی شهمیری، ۱۳۹۴). بنابراین عمده مناطق کلان‌شهری در ایران از ساختار فضایی تک‌مرکزی (سلسله‌مراتبی سنتی و مبتنی بر وابستگی) تبعیت می‌نمایند. از پیامدهای جدایی‌گزینی فضایی در برنامه‌ریزی، اقتصاد رانتی و تک‌محصولی، عدم مطلوبیت برنامه‌ها و سیاست‌ها در زمینه مکان‌یابی فعالیت‌های صنعتی و غیره بوده که عدم تعادل و ناپایداری را به عنوان چالشی اساسی فرا روی برنامه‌ریزی فضایی این مناطق قرار داده است.

## جدول ۴: راهکارها به تفکیک گونه‌های مطالعاتی

گونه مطالعاتی	مفاهیم	راهکارهایی جهت برون‌رفت از چالش‌های فرا روی هر گونه مطالعاتی
کالبدی-فضایی	شبکه جریان‌ها رویکرد سلسله‌مراتبی تک‌هسته‌ای چندهسته‌ای زیرمراکز فعالیتی مرکز شهر اصلی فاصله تا شبکه‌های ارتباطی زیرمراکز فعالیتی سفرهای روزانه	نیاز به بومی‌سازی مفاهیم منتج از گونه‌شناسی و تبارشناسی مناطق شهر بنیاد بررسی شده در مقیاس جهانی و کاربست این مفاهیم در نظام فضایی کشور؛ نیاز به شناسایی شاخص‌های مختلف اعم از جمعیتی، موقعیت استقرار نقاط، پیوندهای فیزیکی میان نقاط، پیوندهای کالایی و مسافر میان نقاط و وابستگی عملکردی (خدماتی) جهت سنجش مناطق شهر بنیاد؛ لزوم حرکت از پیش‌بینی به سمت آینده‌نگری در ارائه مدل منطقه‌ای یکپارچه، به جای تأکید بر مدل‌های پیش‌بینی آینده (moland، مارکوف، مدل اتوماسیون سلولی و روش زنجیره مارکوف و یا مدل‌های ترکیبی Logistic-Markov-CA)؛ راهکارهایی به منظور تمرکززدایی از مناطق کلان‌شهری به همراه تأمین زیرساخت‌های لازم/ تأکید بر توسعه شهرهای میانی و متوسط از طریق نقش‌پذیری بیش‌تر زیرمراکز فعالیتی جهت کاهش واگرایی فضایی موجود و ایجاد زمینه‌ای برای برقراری تعادل در سطح منطقه‌ای؛ تعادل در توزیع فضایی جمعیت و فرصت‌های اشتغال و تقویت کانون‌های رشد منطقه‌ای از طریق کاهش بار جمعیت کلان‌شهر مرکزی به واسطه اعمال سیاست‌های مؤثری هم‌چون تقسیمات استانی و اصلاح ساختارهای اجرایی- مدیریتی؛ تقویت شبکه ارتباطی میان شهرهای کوچک و متوسط با هدف ایجاد پهنه‌های منسجم‌تری در سطح مناطق کلان‌شهری؛ برنامه‌ای کلان و جامع برای مدیریت سفرها در سطح مناطق (مدیریت تقاضای سفر و حذف سفرهای غیرضروری) و ایجاد نظامی متعادل و یکپارچه از جریان‌های رفت و آمد در سطح مناطق کلان‌شهری
مدیریتی	منطقه‌گرایی نومنته‌گرایی برنامه‌ریزی پایین به بالا /بالا به پایین	زمینه‌سازی برای افزایش ظرفیت برخورد استراتژیک با مسایل منطقه‌ای و ارتقای اثربخشی سیاستی با تکیه بر رویکردهای منطقه‌گرایی (مدیریت و حکم‌روایی ویژه مناطق کلان‌شهری؛ ارتقای کارآمدی نظام مدیریت مناطق کلان‌شهری با کمک رویکرد نومنطقه‌گرایی در قالب تقویت نظام حکم‌روایی چندسطحی و چندعاملی با مشارکت همه کنشگران منطقه‌ای (لزوم مشارکت تمامی بخش‌های خصوصی و عمومی/ فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی هم‌زمان از پایین به بالا و بالا به پایین)؛ راهبرد مدیریت یکپارچه و سیستمی در چارچوب پیوندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
زیست‌محیطی	ظرفیت‌های اکولوژیکی زیست‌پذیری کیفیت زندگی	ایجاد تعادل بین محیط طبیعی و محیط انسان‌ساخت؛ توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی منطقه کلان‌شهری/ توجه به شاخص ردپای اکولوژیکی؛ بهره‌گیری از راهبردها و روش‌هایی مثل کمربندهای سبز، کمان‌های سبز، پارک‌های منطقه‌ای، منافع اکولوژیکی برای حفاظت از اراضی کشاورزی و باغات در فرایند توسعه؛ لزوم ارائه تمهیداتی از سوی نظام مدیریت منطقه‌ای در راستای جلوگیری از تبعات منفی ادامه روند تحولات رشد و گسترش فضایی مناطق و تخریب بیش‌تر منابع با ارزش طبیعی و زیست محیطی
اجتماعی- جمعیتی	شهرگرایی برگشت تمرکز تمرکززدایی جمعیت الگوی نخست‌شهری سکونت‌گاه‌های ثانویه/ شهرهای ثانویه	امکان استفاده از سنجه جمعیتی به عنوان عامل کنترلی در نظم‌دهی فضایی به الگوهای رشد مناطق کلان‌شهری از طریق تنظیم سیاست‌ها و راهکارهایی به منظور تشویق حرکت‌های جمعیتی؛ اتخاذ تدابیری در برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای برای مقابله با رشد قارچ‌گونه جمعیتی و کالبدی در نتیجه تبدیل مهاجرین برون استانی به مهاجرین درون استانی؛ توزیع عادلانه امکانات در سطح منطقه و کاهش تفاوت بین مرکز و پیرامون، کاهش وابستگی سکونت‌گاه‌های ثانویه به مادرشهر از طریق تأمین و تکمیل زیرساخت‌ها، خدمات، تأسیسات و تجهیزات شهری در این سکونت‌گاه‌ها، طرح‌های اشتغال‌زایی با هدف کاهش سفرهای روزانه به شهر مرکزی؛ کنترل و نظارت لازم جهت پیشگیری از ایجاد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین جدید در پیرامون سکونت‌گاه‌های ثانویه موجود

توسعه منطقه‌ای  
آمایش سزرمین  
جدایی‌گزینی  
خوشه‌های  
اقتصادی  
بنگاه‌های اقتصادی  
رقابت‌پذیری  
شبکه‌شهرهای  
جهلی  
جهانی‌شدن اقتصاد  
پایداری اقتصادی  
شهرهای کوچک و  
متوسط

لزوم نگرش فضایی و دید سیستماتیک به فضا با تکیه بر برنامه‌ریزی فضایی و رویکرد منطقه‌ای به مسائل با هدف ایجاد تعادل؛ لزوم حرکت از سیاست‌های قطب رشد در توسعه منطقه‌ای به سمت نگرش آمایشی و همه‌سو نگر به فضا؛ انجام اقدامات مختلفی جهت بهبود کانون‌های فعالیتی در مناطق کلان‌شهری جهت استفاده از مزیت‌های مکانی مناطق کلان شهری و تقویت چندمرکزگرایی این مناطق؛ لزوم بهره‌گیری از اثرات مثبت خوشه‌های صنعتی در راستای افزایش توسعه منطقه‌ای؛ لزوم پیوستن مناطق کلان‌شهری به فرایند جهانی شدن اقتصاد و شبکه شهرهای جهانی، با توجه به اثرات مثبت این تعاملات در توسعه پایدار این مناطق؛ نیاز به ارائه استراتژی‌های مناسب جهت توسعه متعادل مناطق کلان شهری با تأکید بر تقویت مراکز درجه دو در اطراف مرکز منطقه و مراکز درجه سه در اطراف مرکز منطقه با هدف از بین بردن دوگانگی درون منطقه‌ای؛ برنامه‌ریزی برای شهرهای کوچک به عنوان مراکز اداری و یا سیاسی با هدف ظرفیت‌سازی جمعیتی، رقابت‌پذیری توسعه و تعدیل سلطه در نظام شبکه شهری، به موازات ایجاد محدودیت سرمایه‌گذاری، صنعتی‌سازی و تمرکزگرایی جدید در شهرهای بزرگ‌تر

یکی دیگر از عوامل تشدیدکننده ناپایداری فضایی مناطق کلان‌شهری در ایران، توسعه ناپایدار اقتصادی به ویژه در دهه‌های اخیر است. این توسعه ناپایدار عمدتاً می‌تواند ناشی از نبود ارتباطات و تعاملات مثبت این مناطق با تحولات جهانی شدن و شبکه شهرهای جهانی باشد (سرور و همکاران، ۱۳۸۹). هرچند این روند پیوستن به فرآیند جهانی شدن، از سال ۲۰۱۰ تا کنون، در برخی مقاطع زمانی با پیشرفت‌هایی همراه بوده است؛ در تمامی موارد، به نوعی ردپای ضعف‌های مدیریتی و سیاستی اعم از سیاست‌های سراسریمه و نامطلوب، نبود مدیریت یکپارچه، تفرق سیاسی، جدایی‌گزینی فضایی در برنامه‌ریزی‌ها، فقدان توجه به نابرابری‌های فضایی و عدم تعادل‌های منطقه‌ای، هم در مقیاس برنامه‌ریزی ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای دیده می‌شود. بنابراین گونه مطالعات مدیریتی از جایگاه ویژه‌ای در رفع خلأهای محتوایی برخوردار است. این در حالی است که نتایج بررسی‌ها پیرامون مدیریت این مناطق نشان می‌دهد که تمامی مناطق کلان‌شهری در ایران، به دلیل ویژگی تعدد و تکثر کنشگران، به نوعی با تفرق سیاسی یا فقدان نهادهای برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه‌ای به عنوان اساسی‌ترین چالش رویه‌ای فرا روی مدیریت و حکمروایی این مناطق مواجه هستند (علیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ اسدی، ۱۳۹۵). با توجه به این چالش اساسی فرا روی مدیریت و حکمروایی این مناطق، اغلب مطالعات گونه مدیریتی به نوعی به دنبال ارائه راهکارهایی برای چگونگی مدیریت این مناطق در قالب طراحی فرم‌های متنوعی از حکمروایی به ویژه حکمروایی یکپارچه/مدیریت و برنامه‌ریزی با هدف مدیریت پایدار/بیانیه‌های چشم‌انداز با هدف ایجاد چارچوب اقدام مشترک بین قلمرویی و بین بخشی/ بهره‌گیری از دیدگاه‌های نظری نومنطقه‌گرایی و انتخاب عمومی با هدف ارتقای کارآمدی نظام مدیریتی این مناطق در رویارویی با تعدد نهادهای

تصمیم‌گیر هستند.

تفرق سیاسی، علاوه بر چالشی اساسی فرا روی مدیریت و حکمروایی این مناطق، یکی از عوامل محرک رشد و گسترش فضایی این مناطق و شکل‌گیری الگوهای پراکنده است که با هدایت رشد به سمت نواحی پیرامونی کلان‌شهر مرکزی (محدوده‌هایی با فقدان یا ضعف کنترل رشد)، اثرات مخرب زیست‌محیطی هم‌چون ازدحام ترافیک و آلودگی هوا، از دست رفتن فضاهای باز و زمین‌های کشاورزی را به همراه دارد (اسدی و زبردست، ۱۳۹۲). به عبارت دقیق‌تر، مناطق کلان‌شهری، عمدتاً در نتیجه رشد و گسترش بی‌برنامه کلان‌شهرها و پیشروی به سمت محیط‌های طبیعی پیرامونی ایجاد می‌شوند. هم‌چنین محاسبه شاخص ردپای اکولوژیکی به منظور تحلیل اثرات شکل‌گیری منطقه کلان‌شهری تهران در پژوهشی توسط عبدی دانشپور و تارانتاش (۲۰۱۶) نیز نشان از بهره‌برداری بیش از حد توان و ظرفیت اکولوژیکی محیط طبیعی پیرامون کلان‌شهر مرکزی این منطقه دارد. به علاوه، مقالات مرتبط با پیش‌بینی آینده مناطق کلان‌شهری نیز نشان می‌دهند که ادامه روند رشد و گسترش فضایی این مناطق، تخریب هرچه بیشتر منابع با ارزش طبیعی و زیست‌محیطی را به همراه خواهد داشت. بررسی ماهیت مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران به لحاظ توزیع حوزه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که این مطالعات، عمدتاً به بررسی ابعاد کالبدی-فضایی، مدیریتی و اقتصادی این مناطق گرایش داشته و از این منظر تقریباً روندی مشابه روند غالب جهانی پژوهش‌های این حوزه در قرن بیست و یکم دارند. البته مطالعات زیست‌محیطی صرفاً در تعداد محدودی از پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته و توجه بیشتری را می‌طلبد. با توجه به ارزیابی‌های انجام شده در زمینه بعد محتوایی مطالعات، می‌توان دریافت که محورهای مطالعاتی کلیدی نظیر زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و توسعه پایدار مستلزم مطالعات بیش‌تری هستند



برخی از مطالعات، به ویژه مطالعات معطوف به حوزه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی - جمعیتی با ضعف مبانی نظری همراه هستند. بنابراین تقویت بنیان‌های نظری به ویژه در خصوص دو طیف مطالعاتی فوق‌الذکر و ریشه‌یابی نظری چالش‌ها تأکید می‌گردد. دگرگونی در ماهیت این مناطق و تغییرات در پارادایم غالب مطالعاتی، چرخش رویکردهای نظری به‌کارگرفته‌شده در مطالعات (خصوصاً در گونه مطالعاتی کالبدی - فضایی و اقتصادی) را به همراه داشته است. تحول رویکردهای نظری مطالعات ساختار فضایی به عنوان یکی از دسته‌های مورد بررسی در ذیل گونه مطالعاتی کالبدی - فضایی نیز نشان از چرخش رویکردهای نظری پارادایم سلسله‌مراتبی سنتی به سمت نظریات پشتیبان پارادایم شبکه‌ای دارد. مطالعات گونه اقتصادی نیز که عمدتاً مبتنی بر نظریات قطب رشد و نگاه سلسله‌مراتبی مرکز - پیرامون بودند، با چرخش نظری همراه شده و از نظریات شهر کوچک، رقابت‌پذیری منطقه‌ای و مزیت‌های مکانی به عنوان رویکردهای نظری پشتیبان بهره‌جسته‌اند. این مطالعات، با نوعی گذار از دیدگاه مرتبط با امکان اشاعه توسعه اقتصادی از مرکز به پیرامون (اثر پخشایش) به سمت نظریه‌های مبتنی بر لزوم تقویت نقش و عملکرد شهرهای کوچک همراه هستند. افزون بر این، مطالعات مبتنی بر رویکرد نظری مزیت‌های مکانی نیز، با تأکید بر انگاشت خوشه‌های صنعتی (نظریات جغرافیای اقتصاد تکاملی/ جغرافیای اقتصادی نوین)، به دنبال ایجاد مزیت‌های رقابتی، بسترسازی برای توسعه منطقه‌ای و تقویت الگوی چندمرکزی هستند.

در بعد روش‌شناسی مطالعات نشان می‌دهند که عمده پژوهش‌های این حوزه توصیفی - تحلیلی بوده و مبتنی بر روش‌های کمی هستند و روش‌های کیفی و ترکیبی کم‌تر در جریان مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است. این غلبه روش‌های کمی در شرایطی صورت می‌گیرد که لزوم گذار از یک‌جانبه‌نگری پوزیتویستی روش‌های کمی و حرکت به سمت روش‌های کیفی و ترکیبی می‌بایست بر فضای روش‌شناسی مطالعات حوزه مناطق کلان شهری در ایران افزایش یابد. در شکل ۷، سعی بر آن است تا نتایج فراتحلیل مطالعات و به عبارت دقیق‌تر برون‌دادهای پژوهش در قالب مدل ترکیبی یکپارچه و بر اساس چهار محور کلی: ۱. چیستی (ماهیت)، ۲. چرایی، ۳. پیامدها و ۴. سازوکارهای چگونگی نظام عملکردی ارائه گردد (شکل ۷).

و مفاهیمی هم‌چون ارزیابی نقش شبکه‌های ارتباطی، دسترسی به حمل و نقل و زیرمراکز فعالیت می‌بایست با جدیت بیشتر در جریان مطالعات محور ساختار فضایی دنبال گردند. هم‌چنین افزایش تمرکز بر مطالعات تحلیل ساختار فضایی - فعالیت می‌بایست با هدف توزیع متعادل فعالیت‌های اقتصادی در سطح جغرافیایی این مناطق می‌تواند در ارتقای مطالعات این حوزه مثمر ثمر باشد. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی این مناطق هم‌معدود بوده و نیازمند توجه بیشتر است و نهایتاً با توجه به نقش انکارناپذیر تقویت شهرهای کوچک، رقابت‌پذیری و مزیت‌های مکانی در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای می‌بایست اهتمام بیشتر در خصوص غنی‌سازی مطالعات این حوزه‌ها صورت گیرد.

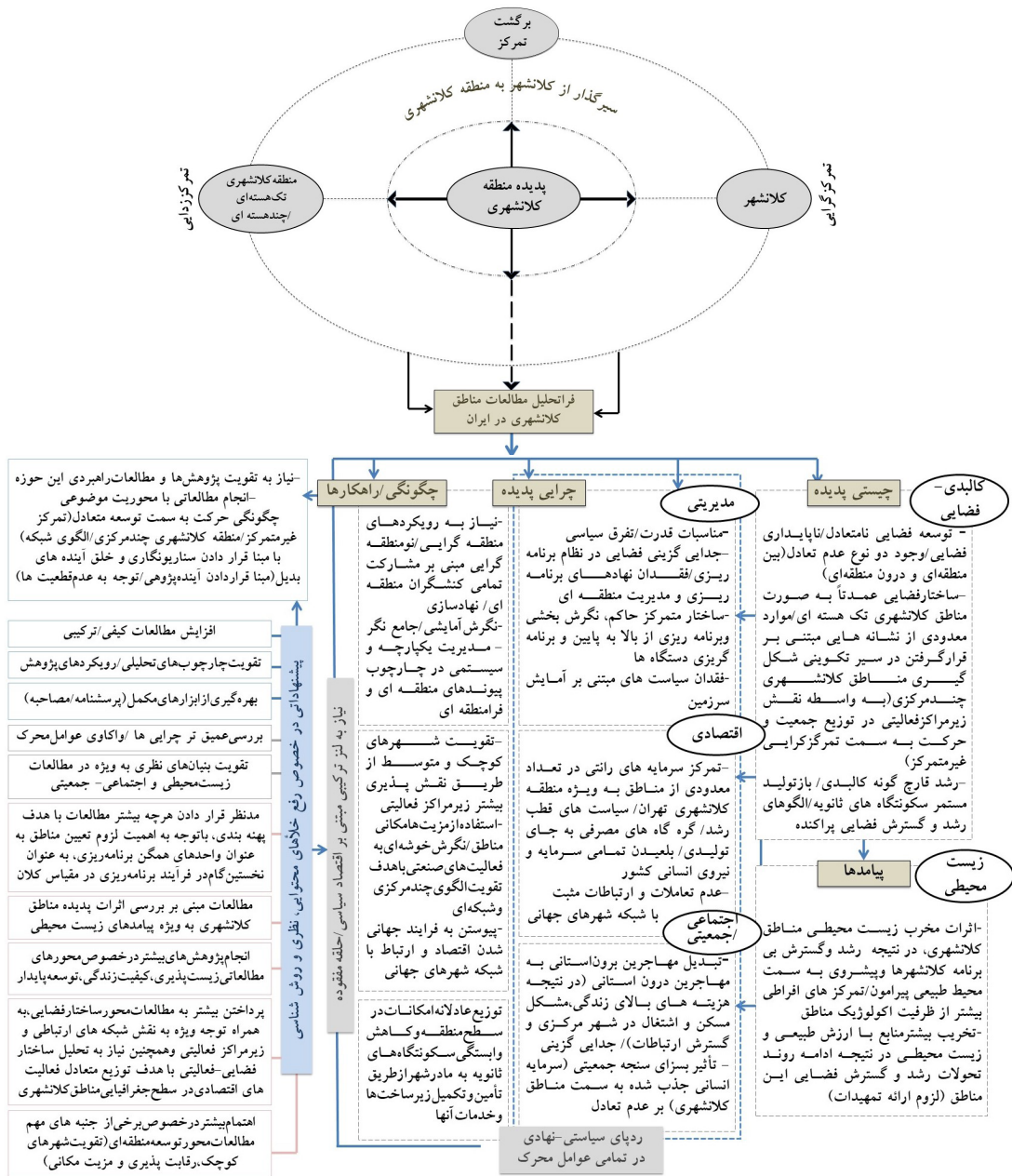
اهداف مطالعاتی، می‌بایست با حساسیت بیشتر و بر مبنای خلأهای مطالعاتی این حوزه انتخاب شوند و مطالعات مبتنی بر سناریو نگاری، پهنه‌بندی، بررسی بنیان‌های نظری و هم‌چنین بررسی پیامدها و اثرات نیز مستلزم توجه بیشتر هستند. عمده مطالعات این حوزه از چیستی فراتر رفته و چرایی‌ها را مدنظر قرار داده‌اند؛ اما دلایل و عوامل حاکم بر پدیده منطقه کلان‌شهری و چالش‌های فرا روی آن، عمدتاً به صورت سطحی بررسی شده و نیاز به انجام مطالعات با عمق بیشتر است. نتایج بیانگر آن است که اکثر مطالعات این حوزه متمرکز بر شناسایی وضع موجود (شناسایی عوامل و فرآیندها) هستند؛ بدون آن که به آینده، عدم قطعیت‌ها و آن چه باید باشد (چگونگی‌ها/مواضع‌هنجارین) توجهی نشان دهند. بنابراین نیاز است تا چرخش پارادایمی دهه ۷۰ حاکم بر مطالعات برنامه‌ریزی شهری به سمت پسا‌ساختارگرایی، کثرت‌گرایی و توجه به آینده‌های بدیل در مطالعات مرتبط با مقیاس منطقه‌ای (مناطق کلان‌شهری) نیز انعکاس یابد.

## ۵. نتیجه‌گیری

تعداد مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران از سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴)، با نوعی روند کاهشی همراه شده است. این روند کاهشی را شاید بتوان به ماهیت دشوار مطالعات این حوزه، به ویژه افزایش پیچیدگی‌های تحلیلی مسائل در گستره وسیع این مناطق مرتبط دانست. این تغییرات سبب شده تا مطالعات مناطق کلان‌شهری، به تنهایی قابلیت پشتیبانی از این مفاهیم را نداشته باشند و بررسی این مفاهیم در برخی از ابعاد، مستلزم حرکت به سمت مقیاس‌های مطالعاتی کلان‌تر باشد. نباید این نکته را نادیده گرفت که این مفاهیم، عمدتاً برگرفته از تجارب جهانی هستند و از آن جایی که هنوز بسترها و زمینه‌های لازم برای تحقق برخی از این مفاهیم در کشور فراهم نشده است؛ می‌بایست کاربری آن‌ها در پژوهش‌های داخلی با بومی‌سازی همراه باشد.

در بعد نظری مطالعات بررسی‌ها بیانگر آن است که

شکل ۷: مدل ترکیبی یکپارچه فراتحلیل مطالعات مناطق کلان‌شهری در ایران



نشان می‌دهد که اغلب مناطق کلان‌شهری در ایران به صورت تکه‌هسته‌ای است و در موارد معدودی مثل منطقه کلان‌شهری مازندران مرکزی و منطقه کلان‌شهری تهران، نشانه‌هایی دال بر قرارگرفتن در سیر تکوینی شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری چندمرکزی و حرکت به سمت پذیرش الگوی شبکه مشاهده می‌شود.

۲. محور دوم: چرایی پدیده مناطق کلان‌شهری؛

چرایی وضع موجود مناطق کلان‌شهری و عواملی که چالش‌های فرا روی مناطق کلان‌شهری را رقم زده‌اند، عمدتاً توسط گونه‌های مطالعاتی مدیریتی، اقتصادی و گونه اجتماعی-جمعیتی پشتیبانی می‌شود که در تمامی این مطالعات، همواره به نوعی ردپای سیاست‌ها و

منطبق بر شکل ۷ می‌توان مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش را در چهار محور ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. محور نخست: چستی‌شناسی پدیده مناطق کلان‌شهری؛

تمرکز گونه مطالعاتی کالبدی-فضایی، اغلب معطوف به بررسی چستی‌شناسی پدیده مناطق کلان‌شهری به لحاظ تعادل فضایی، ساختار فضایی و رشد و گسترش فضایی است. نتایج مطالعات گونه کالبدی-فضایی، همگی به نوعی بر وجود عدم تعادل فضایی، هم در مقیاس بین منطقه‌ای (ملی/سطح کلان) و هم در مقیاس درون منطقه‌ای (منطقه‌ای/بین مرکز و پیرامون) دلالت دارند. بررسی چستی‌شناسی این مناطق از منظر ساختار فضایی

تمامی کنشگران (اعم از دولتی و غیردولتی) به صورت توأمان (پایین به بالا و بالا به پایین) شکل گیرد. از سوی دیگر، یکپارچه سازی ساختار، فرآیند و سیاست های نظام مدیریت و برنامه ریزی مناطق کلان شهری در چارچوب پیوندهای منطقه ای و فرمانطقه ای می تواند ضمن چیرگی بر تفرق سیاسی، در هدایت و کنترل تحولات کالبدی-فضایی این مناطق مثر ثمر باشد.

با توجه به رد پای سیاست ها و برنامه های اثرگذار بر مناطق کلان شهری (مطالعات گونه مدیریتی) در سایر گونه های مطالعاتی، شاید بتوان از پتانسیل های این گونه مطالعاتی به منظور مواجهه با عوامل محرک اقتصادی و اجتماعی-جمعیتی پدیدآورنده چالش های فرا روی برنامه ریزی فضایی این مناطق سود جست. از جمله پتانسیل های بالقوه گونه مطالعات مدیریتی، می توان به امکان قابلیت هدایت تدوین برنامه های کلان ملی به سمت ساماندهی فضایی مناطق کلان شهری و زمینه سازی برای ایجاد اصلاحات سیاسی و نهادی و هدایت آن به سمت مدیریتی یکپارچه (فارغ از تفرق های سیاسی) و مبتنی بر نومنطقه گرایی اشاره نمود. توجه بیش تر به مطالعات مبتنی بر نگاه ترکیبی (برای مثال لنز اقتصاد سیاسی) می تواند ضمن امکان بررسی همزمان تمامی عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر این پدیده، امکان غنای مطالعاتی این حوزه را نیز فراهم آورد. پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی، با تقویت ضعف های محتوایی، روش شناسی و نظری، ضمن ایجاد بسترهای لازم جهت ساماندهی مطالعات راهبردی این حوزه، امکان ارائه سیاست های مناسب و مقتضی برای این مناطق فراهم آید.

برنامه های اثرگذار بر مناطق کلان شهری (مطالعات گونه مدیریتی) به چشم می خورد.

۳. محور سوم: پیامدهای ناشی از پدیده مناطق کلان شهری؛

مناطق کلان شهری همانند سایر پدیده های شهری و منطقه ای با اثراتی همراه هستند که اغلب توسط گونه مطالعاتی زیست محیطی پوشش داده می شود. این پیامدها، عمدتاً در نتیجه رشد و گسترش بی برنامه کلان شهرها و پیشروی به سمت محیط طبیعی پیرامون پدیدار می شوند. تمرکزهای افراطی و بیش از ظرفیت اکولوژیک مناطق از یک سو و ادامه روند تحولات رشد و گسترش فضایی این مناطق از سوی دیگر، با اثرات مخرب زیست محیطی متعددی همراه بوده و نیازمند تدابیر اساسی است.

۴. محور چهارم: سازوکارهایی جهت برون رفت از چالش های مناطق کلان شهری؛

اغلب مطالعات انجام شده در این حوزه، راهکارهایی را به منظور برون رفت از چالش های فرا روی مناطق کلان شهری عنوان نموده اند که می تواند تا حدودی به مثابه چگونگی بهبود وضع موجود مناطق کلان شهری تلقی گردد. بنابراین تلاش شده تا بر پایه فرا تحلیل انجام شده، راهکارهایی برای ایجاد چارچوب سیاست گذاری در این مناطق ارائه داده اند. با توجه به راهکارهای ارائه شده در عمده مطالعات این حوزه، بهره گیری از رویکرد نظری نومنطقه گرایی، می تواند نقش مهمی در ارتقای کارآمدی نظام مدیریتی این مناطق در رویارویی با تعدد نهادهای تصمیم گیر داشته باشد. بر همین اساس، نظام مدیریتی مناطق کلان شهری می بایست مبتنی بر حکمروایی بوده و بر پایه مشارکت

## پی نوشت

1. Yeh & Chen
2. Li et al.
3. Rizzo & Khan
4. Taubenböck et al.
5. Lengyel
6. Peng
7. Han
8. Botequilha
9. Tian
10. Ahmed & Bramley
11. Soja
12. Maciocco
13. Hall and Pain
14. Wheeler
15. Hilhoest
16. Friedman & weaver
17. Dobson

## فهرست منابع

- آخوندی، عباس احمد، برک پور، ناصر، اسدی، ایرج، بصیرت، میثم و طاهرخانی، حبیب الله. (۱۳۸۷). چشم انداز نظام حاکمیت منطقه کلان‌شهری تهران. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، (۳۳)، ۲۶-۱۵. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=69999>
- ارگانی، میثم، رجایی، سیدعباس، و منصوریان، حسین. (۱۳۹۶). تبیین فرایند شهرگزیری در منطقه کلان‌شهری اصفهان. فصلنامه جغرافیا، ۱۵(۵۳)، ۱۸۰-۱۶۵. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=299699>
- اسدی، ایرج. (۱۳۸۳). راهبرد منطقه‌گرایی در حکم‌روایی مناطق کلان‌شهری. مجله مدیریت شهری، (۴۵)، ۱۷-۳۲.
- اسدی، ایرج. (۱۳۹۵). چرا منطقه کلان‌شهری تهران به نظام مدیریت و حکم‌روایی ویژه منطقه‌ای نیاز دارد. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۱ (۱)، ۱۶-۵. [doi: 10.22059/jfaup.2016.59677](https://doi.org/10.22059/jfaup.2016.59677)
- اسدی، ایرج و زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مناطق شهر- بنیاد در مطالعات شهری و منطقه‌ای: با نظر بر واکاوی مفهوم مجموعه شهری در ایران. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۳، ۳۰-۱. [https://jfaup.ut.ac.ir/article\\_23060.html](https://jfaup.ut.ac.ir/article_23060.html)
- اسدی، ایرج و زبردست، اسفندیار. (۱۳۹۲). تحلیل الگوهای پراکنده رویی شهری در منطقه کلان‌شهری تهران با تأکید بر اثرات تفرق نظام تصمیم‌گیری و کنترل رشد. نامه معماری و شهرسازی، ۶ (۱۱)، ۱۰۶-۸۹. [doi: 10.30480/aup.2013.113](https://doi.org/10.30480/aup.2013.113)
- انصاری، ثمینه و پرتوی، پروین. (۱۳۹۶). تبیین زمینه‌ها و اصول پسا‌ساختارگرایی در برنامه‌ریزی شهری. مجله معماری و شهرسازی/ایران، ۹ (۲)، ۱۹۵-۲۱۶. [doi: 10.30475/isau.2019.87942](https://doi.org/10.30475/isau.2019.87942)
- بصیرت، میثم. (۱۳۸۵). تجربیات جهانی حکم‌روایی مناطق کلانشهری؛ آموزه‌هایی برای ایران. نشریه مدیریت شهری، (۱۸)، ۵۱-۳۴.
- پیری، سیما و صارمی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). تحلیل ساختار فضایی جمعیت منطقه کلان‌شهری تبریز. مدیریت شهری و روستایی، ۱۷ (۵۳)، ۷۷-۹۲. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2373-fa.html>
- بیات، اسداله و نظریان، اصغر. (۱۳۹۰). بررسی نقش مهاجرت‌های درون استانی در گسترش سکونتگاه‌های خودرو در منطقه کلان‌شهری تهران ( مطالعه موردی اسلامشهر). فصلنامه جغرافیا، ۴ (۱۸)، ۹۰-۶۹.
- تلخایی، حمیدرضا، سلیمانی، محمد، سعیدنیا، احمد و زنگانه، احمد. (۱۳۹۷). انفجار مادرشهر و توسعه گسیخته منطقه کلان‌شهری تهران در چارچوب نظریه زوال شهری. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۶ (۳)، ۴۷۲-۴۵۱. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2018.251153.859>
- جمعه پور، محمود. (۱۳۹۷). پارادایم نوین برنامه‌ریزی برای پایداری و مدیریت یکپارچه منطقه کلان‌شهری تهران، ساماندهی یا تغییر پایتخت. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۳ (۴)، ۱۵۸-۱۳۳. <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.44900.1144>
- جواهری تقدس، مصطفی، نسترن، مهین، زبردست، اسفندیار و بصیرت، میثم. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل روند توسعه فضایی-کالبدی منطقه کلان‌شهری تهران بین سال‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۵. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۸ (۲)، ۶۵-۳۵. [http://rahbordfarhangi.csr.ir/article\\_117771.html?lang=fa](http://rahbordfarhangi.csr.ir/article_117771.html?lang=fa)
- حسینی، سید هادی و حسینی، معصومه. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل موثر بر ایجاد پراکنده رویی در مناطق شهری ایران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۹ (۴)، ۳۳-۶۶. <https://hsmmp.modares.ac.ir/article-21-9461-fa.html>
- حصارى، ابراهیم، رشیدی، اصغر، موحد، علی، تولایی، سیمین و موسوی، میرنجف. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی منطقه کلانشهری تبریز با رویکرد زیست‌پذیری. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۵۴ (۱)، ۱۷۶-۱۵۵. <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-2541-fa.html>
- داداش پور، هاشم. (۱۳۹۰). تحلیلی بر عوامل تعیین‌کننده مزیت‌های مکانی در منطقه کلان‌شهری تهران: شواهد تجربی از چهار بخش صنعتی. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۱۴ (۱)، ۱۱۶-۹۱.
- داداش پور، هاشم و اکبرنیا، مریم. (۱۳۹۲). تحلیل خوداتکایی شهرهای جدید در مناطق کلانشهری، نمونه موردی: شهر جدید پردیس. فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۱۰ (۱)، ۶۵-۴۴. [http://gps.gu.ac.ir/article\\_7383.html](http://gps.gu.ac.ir/article_7383.html)
- داداش پور، هاشم و آفاق پور، آتوسا. (۱۳۹۵). عقلانیت معرفتی و نظری نوین حاکم بر سازمان فضایی سیستم‌های شهری، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸ (۲)، ۲۸-۱.
- داداش پور، هاشم، پناهی، حسین و شمس‌الدینی، علی. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل محرک و پیش‌بینی تغییرات کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران با تأکید بر یک مدل منطقه‌ای یکپارچه. فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹ (۳۵)، ۵۶-۳۹. [http://jzpm.miau.ac.ir/article\\_3700.html?lang=fa](http://jzpm.miau.ac.ir/article_3700.html?lang=fa)
- داداش پور، هاشم، و تدین، سپیده. (a ۱۳۹۴). تحلیل نقش الگوهای سفر در ساختار فضایی مناطق کلان‌شهری: مورد مطالعاتی منطقه کلانشهری تهران. فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۱۸ (۱)، ۸۶-۶۴. [http://gps.gu.ac.ir/article\\_13816.html](http://gps.gu.ac.ir/article_13816.html)
- داداش پور، هاشم، و تدین، سپیده. (b ۱۳۹۴). شناسایی پهنه‌های همگن جریانی بر اساس جابجایی‌های فضایی و الگوهای سفر، نمونه موردی: منطقه کلان‌شهری تهران. مجله مطالعات شهری، ۱۴ (۱)، ۷۶-۶۱. [https://urbstudies.uok.ac.ir/article\\_13013.html](https://urbstudies.uok.ac.ir/article_13013.html)
- داداش پور، هاشم و تقی‌دخت، حوریه. (۱۳۹۱). تحلیل نقش و تاثیر منابع درون‌بنگامی در ارتقاء روابط بین‌بنگامی و ظرفیت‌های نوآوری در منطقه کلان‌شهری تبریز. سیاست علم و فناوری، ۴ (۴)، ۱۳-۱. [https://jstp.nrisp.ac.ir/article\\_12855.html](https://jstp.nrisp.ac.ir/article_12855.html)
- داداش پور، هاشم، جهانزاد، نریمان و جلیلی صفریان، هما. (۱۳۹۵). تحلیل و پیش‌بینی ساختار فضایی منطقه کلان‌شهری مشهد طی دوره ۱۳۷۵-۱۴۲۰. مطالعات شهری، ۵ (۱۸)، ۶۲-۵۱. [https://urbstudies.uok.ac.ir/article\\_32060.html?lang=en](https://urbstudies.uok.ac.ir/article_32060.html?lang=en)
- داداش پور، هاشم، حق‌جو، محمد رضا و شهابی شهمیری، مجتبی. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی سیر تکوینی منطقه شهری چند مرکزی مازندران

- مرکزی. پژوهش‌های دانش زمین، ۶ (۲۱)، ۶۳-۵۱. [https://esrj.sbu.ac.ir/article\\_95538.html](https://esrj.sbu.ac.ir/article_95538.html)
- داداش پور، هاشم، خیرالدین، رضا، یعقوب خانی، مرتضی و چمنی، بهنام. (۱۳۹۳). مدلسازی تغییرات کاربری زمین در کلان‌شهر تهران با استفاده از مدل MOLAND. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۴ (۱۶)، ۶۴-۴۹. [http://jzpm.miau.ac.ir/article\\_664.html](http://jzpm.miau.ac.ir/article_664.html)
- داداش پور، هاشم و ده ده جانی، مهدی. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در ارتقای رقابت پذیری منطقه‌ای، نمونه موردی: استان کردستان. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۵ (۱۹)، ۴۲-۲۷. [http://jzpm.miau.ac.ir/article\\_911.html](http://jzpm.miau.ac.ir/article_911.html)
- داداش پور، هاشم و زاهدپور، صابر. (۱۳۹۷). تحلیل الگوی استقرار نظام فضا و توزیع فعالیت‌های صنعتی در منطقه کلان شهری تهران. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۶ (۲)، ۲۱۲-۱۷۹. <https://doi.org/10.22067/geography.v16i2.60676>
- داداش پور، هاشم و سالاریان، فردیس. (۱۳۹۷). تحلیل الگوهای فضایی رشد شهری در مناطق کلان‌شهری ایران (مطالعه موردی: مناطق کلان‌شهری تهران، مشهد، اصفهان و شیراز). *آمایش سرزمین*، ۱۰ (۱)، ۱۳۸-۱۱۷. <https://doi.org/10.22059/JTCP.2018.251143>. 669841
- داداش پور، هاشم و علی‌دادی، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل ریخت‌شناسانه ساختار فضایی توزیع جمعیت در منطقه کلان‌شهری تهران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۰ (۱)، ۱۲۵-۱۰۹. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2016.59086>
- داداش پور، هاشم و میکوکیل، حنا. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل شبکه شهری منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از سدیدگاه مبتنی بر گره، تراکم و قابلیت دسترسی. *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۲۸ (۱)، ۷۰-۴۷. [https://journals.ui.ac.ir/article\\_20539\\_0.html](https://journals.ui.ac.ir/article_20539_0.html)
- داداش پور، هاشم و میری لوسانی، امیررضا. (۱۳۹۴). تحلیل الگوهای فضایی پراکنده‌روی در منطقه کلان‌شهری تهران. برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۵ (۱)، ۱۲۳-۱۴۶. [https://sppl.ui.ac.ir/article\\_16025.html](https://sppl.ui.ac.ir/article_16025.html)
- ربانی، طاهار، مشکینی، ابوالفضل، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۸). تبیین مسائل حکم‌روایی شهری در سناریوهای آینده کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد تبدیل سناریوهای کیفی به کمی. *فصلنامه شهر پایدار*، ۲ (۱)، ۶۲-۴۵. [http://www.jscity.ir/article\\_92798.html?lang=fa](http://www.jscity.ir/article_92798.html?lang=fa)
- رجایی، سید عباس. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی فرایندهای شهرنشینی در منطقه کلان‌شهری تهران، *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۲۵ (۱۰۲-۸۳). [https://urs.ui.ac.ir/article\\_20134.html](https://urs.ui.ac.ir/article_20134.html)
- رجایی، سیدعباس، خراسانی، محمد امین و صحنه، بهمن. (۱۳۹۴). تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی در بررسی آمد و شده‌های روزانه در نواحی روستایی، نمونه موردی: روستاهای پیرامون مناطق کلان‌شهری. *فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا*، ۱۶ (۱)، ۱۳۶-۱۱۹. [http://gps.gu.ac.ir/article\\_10921.html](http://gps.gu.ac.ir/article_10921.html)
- رجایی، سیدعباس، خراسانی، محمد امین و صحنه، بهمن. (۱۳۹۴). تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی در بررسی آمد و شده‌های روزانه در نواحی روستایی، نمونه موردی: روستاهای پیرامون مناطق کلان‌شهری. *فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا*، ۱۶ (۱)، ۱۴۰-۱۲۱.
- رجبی، آریتا و بینش پژوه، شاهکار. (۱۳۸۶). سیر تحول شبکه شهری منطقه کلان‌شهری تهران. *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۴ (۱۵)، ۹۴-۸۳. [https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article\\_5870.html](https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article_5870.html)
- رضوانی، محمد رضا، مطیعی لنگرودی، سید حسن، پورطاهری، مهدی و عزیزی، فاطمه. (۱۳۹۴). مهاجرپذیری و توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی، نمونه موردی: روستاهای مهاجرپذیر منطقه کلان‌شهری تهران. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۹ (۱)، ۸۴-۷۱. [http://jzpm.miau.ac.ir/article\\_914.html](http://jzpm.miau.ac.ir/article_914.html)
- زبردست، اسفندیار و حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۸). تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان شهری. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۶۹ (۱۰۵-۱۲۱). [https://jhgr.ut.ac.ir/article\\_24427.html](https://jhgr.ut.ac.ir/article_24427.html)
- زبردست، اسفندیار و رضاپور، امین. (۱۳۹۴). انتخاب شهر کوچک برای توسعه منطقه‌ای با استفاده از مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در محدوده مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائمشهر. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۷ (۲۶)، ۴۲-۲۳. [https://urs.ui.ac.ir/article\\_20144.html](https://urs.ui.ac.ir/article_20144.html)
- زبردست، اسفندیار و شهابی شه‌میری، مجتبی. (۱۳۹۲). سنجش چندمرکزی مجموعه‌های شهری کشور، (مطالعه موردی: آمل-بابل-قائم‌شهر-ساری). *فصلنامه مطالعات شهری*، ۲ (۸)، ۵۸-۴۷.
- زبردست، اسفندیار و شهابی شه‌میری، مجتبی. (۱۳۹۲). ارائه چارچوبی پژوهشی درباره مناطق کلان‌شهری چندمرکزی به منظور توسعه نظری و تجربی این مفهوم در کشور، *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، ۱ (۳)، ۱۶۰-۱۴۳. [http://shahr.journals.umz.ac.ir/article\\_709.html](http://shahr.journals.umz.ac.ir/article_709.html)
- زبردست، اسفندیار و شهابی شه‌میری، مجتبی. (۱۳۹۳). تحلیل قابلیت توسعه هم‌افزا در مناطق شهری چندمرکزی، نمونه موردی: مجموعه شهری مازندران مرکزی، آمل-بابل-قائم‌شهر-ساری، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۴ (۱۶)، ۴۸-۳۳. [http://jzpm.miau.ac.ir/article\\_663.html](http://jzpm.miau.ac.ir/article_663.html)
- زنگنه شهرکی، سعید، گلین شریف‌ادینی، جواد، حسن زاده، داود و سالاری مقدم، زهرا. (۱۳۹۳). تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی منطقه کلان‌شهری تهران (مطالعه موردی: اسلام‌آباد، صالح‌آباد). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۶ (۱)، ۱۹۶-۱۷۷. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2014.50599>
- زنگی‌ش، کامران، استلاجی، علیرضا و فلاح تبار، نصرالله. (۱۳۹۷). تبیین زیست‌پذیری روستاهای منطقه کلان‌شهری تهران (مورد مطالعه: شهرستان ورامین). *فصلنامه جغرافیا*، ۱۶ (۵۸)، ۲۳۹-۲۱۴.
- زیاری، کرامت‌الله، قربانی، رامین، فرهادی، ابراهیم و الماسی، بهنام. (۱۳۹۴). شناخت مناطق همگن برنامه‌ریزی فضایی در منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از روش خوشه‌بندی k-mean. *جغرافیایی سرزمین*، ۱۲ (۴۶)، ۱۱۸-۸۹. [https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article\\_9630.html?lang=fa](https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article_9630.html?lang=fa)

- سرور، رحیم و جعفری، فرهاد. (۱۳۸۸). تحلیل روند شهرنشینی و آینده‌نگری رشد سکونتگاه‌های غیر رسمی در منطقه کلانشهری تهران، *فصلنامه جغرافیا*، (۲۳)، ۹۳-۷۷.
- سرور هوشنگ، پورطاهری مهدی، پرهیزکار اکبر و کاظمیان غلامرضا. (۱۳۸۹). جهانی شدن اقتصاد و چالش پایداری در منطقه کلان شهری تهران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، (۲)، ۴۲-۲۳.
- شادی طلب، ژاله، ایمانی جاجرمی، حسین و بیات، مجتبی. (۱۳۹۰). تحلیلی جامعه‌شناختی از ویژگی‌های روستاهای در حال گذار در منطقه کلان شهری تهران. *نامه علوم اجتماعی*، (۱)، ۲-۳۹.
- شریف زادگان، محمدحسین و شمس کوشکی، هانیه. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی برای حکم‌روایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران. *مدیریت شهری*، (۳۴)، ۲۹۶-۲۷۳.
- شریف زادگان، محمد حسین و فتحی فرزانه، امیر. (۱۳۹۵). تعیین محدوده فضایی شهر- منطقه برای کلان‌شهر تهران و نواحی پیرامونش. *آمایش سرزمین*، (۱)، ۵۵-۳۵. [https://jtcp.ut.ac.ir/article\\_59144.html](https://jtcp.ut.ac.ir/article_59144.html)
- شریف زادگان، محمدحسین و نورایی، همایون. (۱۳۹۴). واکاوی اثرات محیط‌نهادی درون بنگاه‌های خوشه‌های صنعتی بر توسعه منطقه‌ای، نمونه موردی: خوشه‌های صنعتی سنگ منطقه کلانشهری اصفهان. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، (۱)، ۲۰۰-۱۷۳. [http://geography.journals.iau-garmsar.ac.ir/article\\_664327.html](http://geography.journals.iau-garmsar.ac.ir/article_664327.html)
- شیخی، محمد. (۱۳۸۵). مدیریت شهری و سکونتگاه‌های خودرو در منطقه کلان شهری تهران. *مدیریت شهری*، (۱۸)، ۵-۷۴.
- صرافی، مظفر و تورانیان، فضیلت. (۱۳۸۳). مروری بر دیدگاه‌های نظری مدیریت کلان شهری با تأکید بر جنبه‌های نهادی. *مدیریت شهری*، (۱۷)، ۱۷-۶.
- صرافی، مظفر و نجاتی، ناصر. (۱۳۹۶). حکم‌روایی چندسطحی منطقه‌ی کلان‌شهری در راستای رویکرد نومنته‌گرایی (مطالعه موردی: منطقه کلان‌شهری مشهد). *هویت شهر*، (۳)، ۳۹-۲۷. [https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article\\_11386.html](https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_11386.html)
- صیامی، قدیر. (۱۳۹۴). طراحی چشم‌انداز و بیانیه ماموریت در مناطق کلانشهری مبتنی بر رویکرد حکم‌روایی قلمرویی- فضایی، نمونه موردی: منطقه کلانشهری مشهد. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، (۱۹)، ۵-۹۵. [http://jgk.imamreza.ac.ir/issue\\_18906\\_18908.html](http://jgk.imamreza.ac.ir/issue_18906_18908.html)
- صیامی، قدیر و وکیلی، جواد. (۱۳۹۵). تبیین سناریوهای مشارکت جویانه و دموکراتیک نهادی در ساختار نظام حکم‌روایی منطقه کلان‌شهری تهران. *مجلس و راهبرد*، (۸۶)، ۲۳-۲۶۹.
- ظہیرنژاد، عارف و داداش‌پور، هاشم. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی گروه‌های تحصیلی و شغلی در منطقه کلان‌شهری اصفهان. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، (۱)، ۵-۴۴. [https://psp.journals.pnu.ac.ir/article\\_4829.html](https://psp.journals.pnu.ac.ir/article_4829.html)
- عبدی دانشپور، زهره و تاراتاش، مسعود. (۱۳۹۵). تحلیل اثرات گسترش برنامه‌ریزی‌نشده کلان‌شهرها بر محیط طبیعی پیرامون: رویکردی ویژه به منطقه کلان‌شهری تهران. *باغ نظر*، (۴۳)، ۱۳-۶۰. [http://www.bagh-sj.com/m/article\\_41072.html](http://www.bagh-sj.com/m/article_41072.html)
- عبدی دانشپور، زهره و تاراتاش، مسعود. (۱۳۹۶). آشکارسازی دگرگونی کاربرد زمین: تحلیل ویژگی‌های گسترش برنامه‌ریزی نشده در منطقه کلان‌شهری تهران. *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، (۳)، ۲۲-۱۵. [doi:10.22059/jafup.2017.229636](https://doi.org/10.22059/jafup.2017.229636). [671663](https://www.elsevier.com/locate/S0034360217300006)
- علی‌اکبری اسماعیل، طالبی مصطفی و فرجی داراخوانی محمد. (۱۳۹۵). تحلیل نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توازن و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: غرب کلان‌منطقه زاگرس). *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، (۱۷)، ۵-۴۹. <http://iueam.ir/article-1-610-fa.html>
- علیان، مهدی، محمدپور، صابر و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۸). مدل‌سازی و تحلیل راهبردی رابطه میان کنشگران منطقه کلان‌شهری تهران با رویکرد نظریه‌بازی‌ها. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، (۳۱)، ۹-۱۵۲. [http://sspp.iranjournals.ir/article\\_37587.html](http://sspp.iranjournals.ir/article_37587.html)
- غلامی، محمد و زمانی، غلامرضا. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری و رشد مناطق کلان‌شهری در ایران، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، (۶)، ۲۲-۷.
- قاسمی، نسیم و شهبازی، مهرداد. (۱۳۹۴). تاثیر اکوتوریسم و گردشگران بر پایداری مناطق کلانشهری، *فصلنامه پژوهش‌هنر*، (۸)، ۸۵-۹۰.
- لاله پور، منیژه، سرور، هوشنگ و سرور، رحیم. (۱۳۹۰). مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی مناطق کلان‌شهری در عصر جهانی شدن اقتصاد با تأکید بر منطقه کلان‌شهری تهران. *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، (۱۳)، ۸۹-۶۷.
- لاله پور، منیژه و سرور، هوشنگ. (۱۳۹۳). بررسی نقش نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در سازماندهی فضایی جمعیت و فعالیت در منطقه کلانشهری تهران. *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، (۱۱)، ۱۰۵-۱۲۶. [https://journals.usb.ac.ir/article\\_1545.html](https://journals.usb.ac.ir/article_1545.html)
- لطفی، صدیقه و شهابی شهمیری، مجتبی. (۱۳۹۵). تغییر الگوی شهرنشینی از ساختار شهری تک‌مرکزی-سلسله‌مراتبی به ساختارهای منطقه‌ای شبکه‌ای-چندمرکزی. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، (۳)، ۲۰-۲۴۱. <http://hmsp.modares.ac.ir/article-21-3542-fa.html>
- لطفی، صدیقه، شهابی شهمیری، مجتبی و صالحی امینی، حامد. (۱۳۹۴). تبیین مفهوم منطقه شهری چندمرکزی از منظر تحلیلی و هنجاری (مطالعه‌ای مروری). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، (۱۰)، ۳-۱۰۲. [http://shahr.journals.umz.ac.ir/article\\_1229.html?lang=fa](http://shahr.journals.umz.ac.ir/article_1229.html?lang=fa)
- متوسلی، محمد مهدی و اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۸۵). رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلانشهری. *نشریه مدیریت شهری*، (۱۸)، ۷۳-۶۰.
- منصوریان، حسین. (۱۳۹۵). پوشش جمعیتی و الگوهای پوشش زمین در منطقه کلان‌شهری تهران. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی*

- شهری، ۴ (۴)، ۶۱۳-۶۳۳. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.62198>
- مهدوی وفا، حبیب اله، رضویان، محمد تقی و مؤمنی، مصطفی. (۱۳۸۸). نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون. محیط شناسی، ۳۵ (۵۱)، ۱-۱۴. [https://jes.ut.ac.ir/article\\_21225.html](https://jes.ut.ac.ir/article_21225.html)
  - ندایی طوسی، سحر. (۱۳۹۷). کاربری روش شناسی آینده نگاری راهبردی در برنامه ریزی توسعه فضایی؛ مورد پژوهی سناریونگاری منطقه‌ی کلان شهری کرج. نامه معماری و شهرسازی، ۱۰ (۲۰)، ۲۳-۴۸. [http://aup.journal.art.ac.ir/article\\_588.html](http://aup.journal.art.ac.ir/article_588.html)
  - ندایی طوسی، سحر و باقری، باقر. (۱۳۹۶). تبیین پدیده پراکنده رویی در منطقه های کلان شهری، مورد پژوهی: منطقه کلان شهری شیراز. جغرافیا و توسعه، ۱۵ (۴۷)، ۱۸۵ - ۲۱۱. <https://doi.org/10.22111/gdij.2017.3190>
  - همافر، میلاد و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۶). سنجش میزان تحقق آرایش فضایی چندمركزی در مناطق کلان شهری (مطالعه موردی: منطقه‌ی کلان شهری تهران). فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی منطقه‌ای، ۷ (۲۸)، ۹۵-۱۰۶. [http://jzpm.miau.ac.ir/article\\_2534.html](http://jzpm.miau.ac.ir/article_2534.html)
  - یگانگی دستگردی، وحید، بهنام والا، علی و صیامی، هانی. (۱۳۹۰). بازبینی تاثیرات مثبت و تبعات منفی مناطق کلانشهری بر اقتصاد و محیط زیست جهان، نمونه موردی: اتحادیه اروپایی و امریکای لاتین. مدیریت شهری، (۲۷)، ۱۶۲-۱۴۵.
  - یوسفیان، وحید مشفق، سمیرا و محمدی، حمید. (۱۳۹۳). تعیین مناطق شهر- بنیاد در ایران مطالعه موردی: استان فارس. مطالعات شهری، ۳ (۱۱)، ۶۳-۷۴.
  - Ahmed, S., & Bramley, G. (2015). How will Dhaka grow spatially in future?-Modelling its urban growth with a near-future planning scenario perspective. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 4 (2), 359-377. <https://doi.org/10.1016/j.ijse.2015.07.003>
  - Biswas, A. (2020). Establishing metropolitan governance and local governance simultaneously: Lesson from India's 74th Constitutional amendment act. *Journal of Urban Management*, 9, 316-330. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2020.06.002>
  - BROMLEY, R., & DANIELS, T. (2001). Metropolitan Regional Planning in the United States. *Planning Practice & Research*, 16 (3), 229-232. <https://doi.org/10.1080/02697450120107853>
  - Borozan, D. (2008). Regional Competitiveness: Some Conceptual Issues and Policy Implications. *Interdisciplinary Management Research*, 4, 50-63. [https://econpapers.repec.org/article/osijournal/v\\_3a4\\_3ay\\_3a2008\\_3ap\\_3a50-63.htm](https://econpapers.repec.org/article/osijournal/v_3a4_3ay_3a2008_3ap_3a50-63.htm)
  - Botequilha-Leitão, A. (2012). Eco-polycentric urban systems: an ecological region perspective for network cities. *Challenges*, 3 (1), 1-42. <https://doi.org/10.3390/challe3010001>
  - Cardoso, R., & Meijers, E. (2020). *The process of metropolization in megacity-regions. In Handbook of Megacities and Megacity-Regions*. Edward Elgar Publishing.
  - Cruz, S. C., & Teixeira, A. A. (2010). The evolution of the cluster literature: Shedding light on the regional studies-regional science debate. *Regional studies*, 44 (9), 1263-1288.
  - Folberth, G. A., Butler, T. M., Collins, W. J., & Rumbold, S. T. (2015). Megacities and climate change-A brief overview. *Environmental pollution*, 203, 235-242. <https://doi.org/10.1016/j.envpol.2014.09.004>
  - Garcia Lopez, M. A., Holl, A., & Viladecans-Marsal, E. (2015). Suburbanization and highways in Spain when the Romans and the Bourbons still shape its cities. *Journal of Urban Economics*, 85, 52-67. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jue.2014.11.002>
  - Garcia-López, M. À. (2010). Population suburbanization in Barcelona, 1991-2005: Is its spatial structure changing?. *Journal of Housing Economics*, 19 (2), 119-132. <https://doi.org/10.1016/j.jhe.2010.04.002>
  - Han, B., Liu, H., & Wang, R. (2015). Urban ecological security assessment for cities in the Beijing-Tianjin-Hebei metropolitan region based on fuzzy and entropy methods. *Ecological Modelling*, 318, 217-225. <https://doi.org/10.1016/j.ecolmodel.2014.12.015>
  - Lengyel, I. (2016). Competitiveness of metropolitan regions in Visegrad counties. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 223, 357-362. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.241>
  - Li, Y., Wu, F., & Hay, I. (2015). City-region integration policies and their incongruous outcomes: The case of Shantou-Chaozhou-Jieyang city-region in east Guangdong Province, China. *Habitat International*, 46, 214-222. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2014.12.006>
  - Li, W., Zhou, W., Han, L., & Qian, Y. (2019). Uneven urban-region sprawl of China's megaregions and the spatial relevancy in a multi-scale approach. *Ecological Indicators*, 97, 194-203. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ecolind.2018.10.004>
  - Miller, D. Y., & Lee, J. H. (2011). Making Sense of Metropolitan Regions: A Dimensional Approach to Regional Governance. *The Journal of Federalism*, 41 (1), 126-145. <https://doi.org/10.1093/publius/pjpp040>
  - Peng, J., Xie, P., Liu, Y., & Ma, J. (2016). Urban thermal environment dynamics and associated landscape pattern factors: A case study in the Beijing metropolitan region. *Remote Sensing of Environment*, 173, 145-155. <https://doi.org/10.1016/j.rse.2015.11.027>
  - Rizzo, A., & Khan, S. (2013). Johor Bahru's response to transnational and national influences in the emerging Straits Mega-City Region. *Habitat International*, 40, 154-162. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2013.03.003>

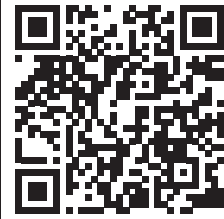
- Roumboutsos, A., & Kapros, S. (2008). A game theory approach to urban public transport integration policy. *Transport Policy*, 15 (4), 209-215. <https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2008.05.001>
- Savitch, H. & Vogel, R. K. (2009). Regionalism and Urban Politics, in *Davies, S. Jonathan and Imboroscio, L. David, Theories of Urban Politics*, Sage Publication.
- Taubenböck, H., Klotz, M., Wurm, M., Schmieder, J., Wagner, B. M., Wooster, Esch, T., & Dech, S. (2013). Delineation of Central Business Districts in mega city regions using remotely sensed data. *Remote Sensing of Environment*, 136, 386-401. <https://doi.org/10.1016/j.rse.2013.05.019>
- Tian, G., Ma, B., Xu, X., Liu, X., Xu, L., Liu, X., Xiao, L., & Kong, L. (2016). Simulation of urban expansion and encroachment using cellular automata and multi-agent system model—A case study of Tianjin metropolitan region, China. *Ecological Indicators*, 70, 439-450. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2016.06.021>
- Tian, L., Xu, G., Fan, C., Zhang, Y., Gu, Ch., & Zhang, Y. (2019). Urbanization and Eco-Environment Systems: A Case Study of the Beijing-Tianjin-Hebei Region. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16 (1), 1-24. <https://doi.org/10.3390/ijerph16010114>
- Yeh, A. G. O., & Chen, z. (2020). From cities to super mega city regions in China in a new wave of urbanisation and economic transition: Issues and challenges. *Urban Studies*, 57 (3), 636-654. <https://doi.org/10.1177/0042098019879566>
- Zimmermann, K. (2014), Democratic metropolitan governance: experiences in five German metropolitan regions. *Urban Research & Practice*, 7 (2), 182-199. <https://doi.org/10.1080/17535069.2014.910923>

#### نحوه ارجاع به این مقاله

رفیعیان، مجتبی، شاه حسینی، گلاره و داداش پور، هاشم. (۱۴۰۱). فراتحلیل مطالعات حوزه مناطق کلان‌شهری در ایران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۵ (۳۸)، ۲۴۷-۲۷۰.

DOI: 10.22034/AAUD.2022.264906.2392

URL: [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_152342.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_152342.html)



#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

